



فرم در رژیم ولایت فقیه تدارک دیکتاتوری یک آخوند

به اشارة خمینی هیاتی ۲۵ نفره که ۵ نفر آن را با انتخاب مجلس بوده است، تکلیف شده اند در یک فرصت دو ماهه پیش نویس متخیم قانون اساسی را تهیه کنند. با اینکه سردمداران رژیم میگویند تغییر اصول قانون اساسی را کاری "عادی" جلوه دهند، اما حتی در محافل حاکم و مطبوعات رسمی کشورهای غربی نتوانسته اند این نکته را کتمان کنند که: "تهیه پیش نویس اصلاحیه قانون اساسی دارای اهمیت در راستای اهمیت تدوین خود قانون اساسی است".

تا ماه خمینی در این باره که خطاب به خاندان نوشته شده است و ضرب الاجلی که برای انجام این مهم در نظر گرفته بود، بسیار تکوا همت این تغییرات است. خمینی در نامه خود تصریح کرده است که "رفع نقایص قانون اساسی یک ضرورت اجتناب ناپذیر است و اصلاحیه قانون اساسی و انتقالی تا خیر در آن موجب بروز آفات و عواقب تلخی برای کشور و انقلاب گردد".

در همین نامه، محدود و موضوعات مورد بحث به شرح زیر در نظر گرفته شده است:

- ۱- رهبری ۲- تمرکز در مدیریت فوّه محریه
- ۳- تمرکز در مدیریت فوّه قضائیه ۴- تمرکز در مدیریت صدا و سیما به صورتی که قوای سه گانه در آن نظارت داشته باشد ۵- تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی ۶- مجمع تشخیص مصلحت برای حل معضلات نظام و صورت رهبری به صورتی که قدرتی در عرض قوای دیگر نباشد ۷- راه بازیگری سه قانون اساسی (مطورا افزودن اطمینان است که راه بازیگری به قانون اساسی راه لحاظ قانونی بازمیگردد) ۸- تفسیر نام مجلس شورای ملی به مجلس شورای اسلامی.

مواردی از قانون اساسی که موضوع بحث و تغییر تشخیص داده شدند، به طور آشکار و نا پذیری متوجه فرم در سیستم سیاسی حاکم بر کشور است. به زبان روشن تر، آنچه که خود خمینی تا خیر در آن را موجب بروز آفات و عواقب تلخی ارزیابی کرده است، چیزی جز گردن نهادن به تشخیصی است که در رژیم ولایت فقیه نیست. و این مویسه محت این پیش بینی است که ولایت فقیه در سر خوردن الزامات جامعه ایران و مبارزات مردم، ناگزیر از تغییر پذیری است. ولایت فقیه زیر فشار واقعیات و فروخا در بیخت.

اما این یک جنبه تجربه است. واقعیت تغییر در رژیم ولایت فقیه جهات دیگری را نیز آشکار کرده است:

فرم در رژیم ولایت فقیه در خلا صورت نمیگیرد. زمینه اصلی البته تضاد و تناقض این سیستم حکومت با الزامات جامعه است. اما این که در جهتی این فرم صورت گیرد و حتی گسترش یابد، این با چگونگی آرایش سیاسی نیروهای اجتماعی کشور در ارتباط قرار دارد.

بدیهی است که در شرایط ضعف و پراکندگی جنبش ترقی خواهان مردم ایران که خواسته است با استقرار رژیم سیاسی دمکراتیک در کشور است، خمینی و سران حکومت و همه نیروهای ارتجاعی جامعه فرصت می یابند که فرم در رژیم ولایت فقیه را اساسا در خدمت تداوم و حاکمیت استبدادی آخوندها و متفیع ارتجاعی و خود غرقا نشان در آورند. تجربه ای که پیش چشم ما میگذرد، گسترش می یابد این با چگونگی آرایش حقیقت را که ملاتذی می کند.

امروز با نشانه ها و نشانه ها مستندتری که در همین فاصله کوتاه پس از برکناری منتظری وضوح پیدا کرده است، می توان جهت اساسی این بقیه در صفحه ۲

تکرام کمیته مرکزی سازمان به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در رابطه با سفر رفسنجانی به شوروی در صفحه ۲

بازداشت و اعدام افسران ارتش را محکوم می کنیم

ری شهری اعلام کرده است. گفته می شود که دستگیری از میان پرسنل نیروهای مسلح گسترده بوده و از نیروی دریایی، زمینی و هوایی و نیز از میان رده های مختلف سپاه صورت گرفته است. همچنین در همان زمان معلوم شد که لاریجانی، معاون وزارت خارجه و محلاتی نماینده رژیم در سازمان ملل نیز جزو دستگیرشدگان هستند.

طبق این اخبار، تعدادی از افسران و فرماندهان نیروی دریایی و نیز فرماندهان سپاه پاسداران که بازداشت شده اند، اعدام شده اند. ری شهری نیز اعدام افسران را تکذیب نکرد.

دلایلی که ری شهری برای بازداشت ها اعلام کرده، جاسوسی است. او گفته است که این افراد برای آمریکا جاسوسی کرده اند و شرح کثافی از دوره هایی که آنها دیده اند و وظایفی که بر عهده آنها بوده است و همکاری برخی از کشورهای اروپایی نظیر آلمان غربی و آمریکا در این ارتباط ارائه داده است. در همین راستا نیز مباحثه هایی با برخی از بازداشت شدگان ترتیب داده شد که از تلویزیون جمهوری اسلامی پخش گردید.

اتهام جاسوسی با زداشت شدگان را ساختگی است. زیرا اولاً، جاسوسی ناشی یکی از شگردهای رایج رژیم در سرکوب مخالفان است. ثمونها در بقیه در صفحه ۴

در پی پخش اخبار بازداشت و اعدام جمعی از پرسنل نیروی دریایی و دستگیری برخی از مقامات کشوری از سوی مطبوعات غربی، بالاخره مقامات رژیم نیز سکوت خود را شکستند و بازداشت ها تا زهره تا شید کردند. بنا به عتراف ری شهری، وزیر امور و اوک رژیم تعدادی از افسران عالی رتبه و نیروهای مسلح و مقامات کشوری و صاحبان مشاغل آزاد در مناطق مختلف کشور، طی ماه گذشته بازداشت شده اند. او گفته است که عده دیگری نیز دستگیر خواهند شد.

اخبار و شواهد حاکی است که تعداد بازداشت شدگان خیلی بیشتر از آن می باشد که

دیدار تاریخی سران شوروی و چین

ساعت ۱۵ صبح ۲۶ اردیبهشت ماه، سالسن بزرگ مجلس نمایندگان خلق چین، میخائیل گورباچف و تنگ شیاو بینگ رهبران اتحاد شوروی و چین، لیخندنبرگ به استقبال یکدیگر میروند و دستبازان را به سوی همدیگر دراز می کنند و برای مدت طولانی محکم می فشارند. هر دو ابتدا هیچان زده اند. گشائی که در سالن حضور دارند خسوسوب می فهمند که این فتردن دست ها، فقط دستهای رهبران دو کشور نیست، بلکه دو خلق بزرگ سوسیالیستی هستند که دست های یکدیگر را می فشارند. سال های طولانی مردم دو کشور و نیروهای ترقی خواه جهان در انتظار چنین لحظه ای بوده اند. و این لحظه را انجام فرار شده است.

در پی دعوت ریاست جمهوری خلق چین، میان گورباچف و میخائیل گورباچف، دبیرکل حزب کمونیست اتحاد شوروی و صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی از با نزدیک تا هجده ماهه (۲۵ تا ۲۸ اردیبهشت) از جمهوری خلق چین دیدار رسمی به عمل آورد. پس از ۳۰ سال تیرگی روابط بین دو کشور، با دیدار رهبر شوروی از چین که رویدادی بزرگ و دیداری تاریخی خوانده شده است، بیخ قطور کودورت فمابین رویه دود شدن نهاد و شرط دوستی و تقا هم همکاری متقابل میان دو کشور بزرگ سوسیالیستی دیگر بر سر بحرین افتاد. سران شوروی و چین بدون مکث روی مناسبات تیره گذشته، عزم کردند که مشترکاً به آینده بنگرند.

میخائیل گورباچف در سفر چهار روزه خود به چین موفق شد مذاکرات و تبادل نظرهای سازنده ای با رهبران چین، تنگ شیاو بینگ، زاکوزیانگ، دبیرکل حزب کمونیست چین و لی پین نخست وزیر و همچنین رئیس جمهوری چین به عمل آورد. گورباچف در یک مباحثه مهم مطبوعاتی با حضور خبرنگاران و بقیه در صفحه ۳

جنبش دموکراسی در چین

در نخستین روزهای اردیبهشت امسال، پکن و سایر شهرهای دانشگاهی چین شاهد تظاهرات وسیع دانشجویان بود. آغا زنگ هرات مصداق مراسم خاکسپاری "هاوکوفنگ"، دبیرکل سابق حزب کمونیست چین بود. هاوکوفنگ از رهبران محبوب حزب بود که به ویژه در میان جوانان به شهرت و علاقه بوروکراسی و طرفداری از دمکراسی شهرت داشت. وی که در سال های "انقلاب فرهنگی" تحت آزار و اذیت قرار گرفته بود، پس از مرگ ماو از پیروان سیاست رفرمهای اقتصادی کشور بود و بعدها به مقام دبیرکل حزب کمونیست چین رسید. هاوکوفنگ در جلسه دفتر سیاسی حزب کمونیست در ژانویه ۱۹۸۷ برکنار شد. خبرگزاری چین در آن زمان وی را به طرفداری از "لیبرالیسم بورژوازی" متهم کرده و نوشت: "مدتی است که برخی از اعضای حزب با نقض انضباط حزبی و اساساً همه حزب با این اصول به مخالفت برخاسته اند و از لیبرالیسم بورژوازی هواداری می کنند... آنها بقیه در صفحه ۵

سیاست جدید اقتصادی رژیم

سرانجام پس از گذشت نزدیک به یک سال شورای عالی بازسازی کشور طرح بازسازی ویرانی های جنگ را تنظیم کرد. این طرح پس از تصویب خمینی از سوی رئیس جمهور اسلامی که رئیس شورای عالی بازسازی نیز هست، جهت اجرا به دولت ابلاغ شد.

در این طرح شورای عالی بازسازی، خطوط کلی سیاست بازسازی کشور را تعیین و تقسیم بخش های مختلف اقتصادی را بر این مبنا تعیین کرده است. از قرار معلوم برنا به عمرانی ۵ ساله جدید کشور که از طرف هیات دولت به مجلس ارائه شده نیز بر مبنای سیاست ها و اولویت های تعیین شده در طرح بازسازی تنظیم گردیده و بنا به اظهارات رفسنجانی با در نظر گرفتن اس طرح بازسازی در مجلس حک و اصلاح خواهد شد.

هر چند جزئیات طرح مورد بحث روشن نیست اما کلیات و سیاست های ناظر بر آن با مراحت سمت سوی سیاست های اقتصادی جمهوری اسلامی را مشخص می کند. این طرح حاصل نتیجه مباحثات ده ماهه و جنگ و جدال های مسئولان حکومت پیرامون سیاست اقتصادی جمهوری اسلامی و بنا بر گشوه و چگونگی بازسازی اقتصادی ایران زده و مناسبتی ویران شده در جنگ است.

قانونیت یافتن این طرح مبین آن است که سرانجام رفسنجانی و خاندانهای با حمایت خمینی، در پی جنجال ها و عواقم فریبی های تبلیغاتی ما ه های خیر و به دنبال برکناری مرعوب کننده منتظری، در یکی از مهم ترین عرصه های مورداختلاف بین سیاست های درون حکومت، یعنی مسئله بازسازی کشور و به طور کلی تر سیاست های اقتصادی رژیم خط و نظر خود را پیش بردند.

بر اساس طرح قانونی بازسازی کشور، نقش بقیه در صفحه ۴

قانون کار همچنان در بن بست	در صفحه ۳
محکومیت مجدد رژیم توسط عفو بین الملل	در صفحه ۳
کوجانیدن اجباری کردهای عراق را محکوم می کنیم	در صفحه ۵
دستهای آمریکا از پاناما کوتاه!	در صفحه ۵
یاد نامه رفقای شهید محمدرضا گلپایگانی و پرویز الی	در صفحه ۱۰

زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی

بیام تلگرام کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

به شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

زندان های ایران ، بسیاری از رهبران جنبش کمونیستی و کارگری و مترقی ، شخصیت های ملی، اجتماعی و فرهنگی کشور به چشمی خورد .

در رژیم جمهوری اسلامی همچنان کشور ما را دربرگیرنده جنگی نگه داشته است ، حالت نهمی نه جنگ مردم میهن ما را نگران کرده است . مردم ما سنگینی شیخ شوم جنگ را همچنان بر فراز کشور احساس می کنند .

انتظار مردم ایران و همه احزاب ، سازمانها و نیروهای مترقی و دمکرات ایران از رهبران حزب

با احترام کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، ضمن استقبال از برقراری و گسترش مناسبات کشورهای سوسیالیستی با کشورهای دارای نظام های مختلف ، ضروری داندهندارستانه سفر آقای رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی ایران ، به اتحاد شوروی ، یادآور شد که :

کشتار زندانیان سیاسی ایران که طوسی ما هیا یخچال شده اند به چند هزار نفر رسیده ، همچنان ادامه دارد . در میان قتل عام شدگان

درفم در رژیم ... تغییرات را به عین مشاهده کرد :

عناصر مرکزی در اصلاحات قانون اساسی موضوع رهبری سیاسی در کشور است . طبق اصل پنجم اصل یکم و هفتم اصل یکم و نهم قانون اساسی ، در جمهوری اسلامی ، رهبری سیاسی امری انفکاک ناپذیر با رهبری مذهبی و در اختیار مطلقه ولی فقیه ، یعنی مرجع مذهبی است . در اصل ۱۰۷ ، تاکید شده است که در صورت فقدان "فقیه جامع الشرایط" ، به پایتخت "مرجع واحد شرایط رهبری" ، شورای رهبری را تشکیل می دهند . در اصل ۱۰۹ نیز تصریح شده است که نخستین و مقدم ترین شرط وقت رهبری اعطای شورای رهبری ، "صلاحیت علمی و تقوای لازم برای افتاء و مرجعیت" می باشد . این تصریحات به این معنا است که شرط رهبری سیاسی رژیم ولایت فقیه مرجعیت است . یعنی رهبری باید از میان آرای عطا موقفقا انتخاب شود ، چرا که در طرح سابق خمینی برای حکومت اسلامی ، مجال سیاسی تابع مصالح شریعت بود که توسط فقیه ویا میزان فقیه تعیین می شد . امروز این عناصر مرکزی و نالوده های رهبری رژیم ولایت فقیه در معرض شبهه و انکار است . همه کسانی که با تاریخ جمهوری اسلامی آشنا می دارند ، می دانند که حتی تا قبل از سرکناری منتظری از مقامات جنبش ، کوچک ترین شبهه و وطن انگاری در این باره ، کفر محسوب می شد . مصداق کامل عدولیت فقیه به حساب می آمد و نالگران چنین طرز تنگنوی در معرض فشار و سرکوب قرار می گرفتند .

اما امروز چگونه است ؟ امروز ، آدمی مثل خوینیا ، داستان گل جمهوری اسلامی ، به صراحت تمام ، در مصاحبه با کیهان ، روزنامه مردمی کشور این سخنان را جار می زند :

"اطلا منطقی نیست که کسی بگوید شرط رهبری مرجعیت است !!!"

امروز ، روزنامه های رسمی کمونیست از ادله ای است که در اثبات درستی فخر جادایی مرجعیت از رهبری سیاسی ، دست آموزترین کارگران و خمینی به میان می کشند . شناخته شده ترین سخنگویان و نمایندگان جامعه روحانیون به شکل های مختلف از این فکر به دفاع خود استهوا می گویند : "طرح این مسئله که رهبری حتما باید از مراجع تقلید باشد طرح غیر ضروری است" ، "منحصر عادل برای رهبری کفایت می کند" ، "حتی منحنی سرازیر این اظهار می دارند : وحدت رهبری سیاسی با نیستی به عنوان یک اصل اساسی مورد توجه قرار گیرد ، که رهبری مذهبی اطاعت از رهبری سیاسی را یک امر واجب غیر قابل خدشه مانند ارکان نماز به حساب آورد" . (۲)

در تمام این اظهار نظرها ، ظهور نمایان و نیرومند روندی را می توان مشاهده کرد که بسودن آنکه سلطه آخوندها در حکومت را زیر سؤال بسرد ، در پی انتقال نقل رهبری از نهاد های مذهبی به نهاد های سیاسی است .

با برکناری منتظری ، آینه رژیم خمینی را باید بدون تمرکز قدرت در دست رهبری مذهبی و حتی خارج از حیطه رهبری مراجع تقلید باشد در نظر گرفت . فاکت ها و شواهد تازه استنتاج ما را تأیید می کنند که اصلاحات قانون اساسی در موضوع رهبری ، در راستای به کرسی نشاندن این فکری است که رود که "قدرت واقعی نه در دست یک فقیه جامع الشرایط" بلکه در دست یک "خونخورد سیاستمدار دولت مرد" متمرکز شود ، در این فکر برخلاف طرح خمینی از ولایت فقیه ، دیگر سلسله مراتب حکومتی با همان سلسله مراتب اخوندی منطبق نیست ، بلکه مقامات حکومتی میان ملایانی که اساسا سیاستمدار و دولت مردند ، تقسیم می شود .

این در حقیقت جزئی است برای ولایت فقیه باقی نمی گذارد . به نظر می رسد خمینی چونسان موضوع صلح ، این بار نیز ناگزیر به چیزی گسردن گذاشت که در محرم سال ۵۸ ، برای آرا گسردن مخالفان با نفوذ ولایت فقیه در اعلامیه خود وعده داده بود :

"اگر اشکالی باشد ممکن است در متمم کسه

و دولت شوروی در آستانه سفر رفسنجانی به مسکو این است که هر آنچه در امکان دارد تلاش کنید که مقامات ایران از آزاد نگه داشتن سیاستی و تشییح حقوق اولیادشان در جامه دست بردارند . نجات جان زندانیان سیاسی ایران و آزادی آنان را خواست هزاران هزاران شاخه نوادگان زندانیان سیاسی و مردم سراسر ایران است .

ما انتظار داریم که تلاش شود رژیم های ایران و عراق به حالت بسیج جنگی در دو کشور خاتمه دهند تا آرامش واقعی و صلح پایدار به هر دو کشور بازگردد و منطقه زبر و زجده را مجدداً جامعه درامان بماند .

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۲۷ اردیبهشت ۱۳۶۸

فعالیت قوه قضائیه از نظارت قانونی مجلس همچنان مستثنی باقی بماند انتخاب دمکراتیک هیات های منصفه ، علینتی حاکمات و به رسمیت شناختن آزادی فعالیت قانون های دمکراتیک و کلا ورعایت اصل برائت شهروندان و حق هرمنهیم در انتخاب آزادانه وکیل مورد علاقه خود ، همچنان محلی از اعراب نداشته باشد ، قوه قضائیه همچنان دیوان بلخ باقی خواهد ماند .

کمیته عمده دیگر تغییرات احتمالی در ساختار سیاسی ، کاهش نقش و مقام مجلس در جمهوری اسلامی است . این نیز یک شاخص در شناخت خصلت زدمکراتیک پیش نویس متمم قانون اساسی است . محدودهای که برای اصلاحات قانون اساسی در نظر گرفته شده ، مناسبات متقابل مجلس و شوراهای نمایان را در بر نمی گیرد . در حالی که کما کث نمایان مجلس و شوراهای نمایان یکی از قانون اساسی بحران در رژیم ولایت فقیه بوده است . این نشان به اندازه کافی گویا است و بیاینگران است که مجلس بسا از تصویب پیش نویس اصلاحیه قانون اساسی نیز همچنان به مثابه آلت فعل فقهای شورای نگهبان مطلوب الاخیار باقی خواهد ماند و نقش و گسترش آن در حیات سیاسی و اقتصاد کشور ، با زهم کاهش بیشتری خواهد یافت .

نشانده دیگر ، بحث های است که در مطبوعات رسمی جمهوری اسلامی درباره ضرورت کاهش تعداد نمایندگان مجلس به راه افتاده است . برخی از پرنفوذترین بهره های خمینی اظهار نظر کرده اند که عریض و طویل بودن مجلس اسباب نزاحمت و مسانغ از گرفتن سریع تصمیم ضروری است .

خمینی در فرمان خود خواستار "تشییست قانونی" "مجمع تشخیص مصلحت" شده است . در همین حال به روشنی تاکید کرده است : "مجمع تشخیص مصلحت برای حل معضلات نظامی و مشاورت رهبری به صورتی که قدرتی در عریض قوای دیگر نباشد" .

تاکید خمینی در تشییست قانونی "مجمع تشخیص مصلحت" به مثابه یک قدرت مشورتی ، معنی دار است و در مجموع بیانگر قدر قدرتی معنی دار است که می بایست جای او بنشیند . باری ! همه شواهد حاکی از آن است که رهبر شرايط ضعف و پراکندگی جنبش ترقی خواهان مردم ایران ، آخوندها فرصت یافته اند تا آنجا که می توانند بدون دادن امتیازی به مردم گریبان خود را از برخی مشکلات ناشی از ساختار حکومتی شان خلاص کنند و به این ترتیب برای ادامه حکومت خود مغری تازه بیگانه بند .

وظیفه میرم ما گسترش مبارزه علیه استبداد است . ما با ولایت فقیه یک "مجتهد" همان قدر مخالفیم که با ولایت یک "فقیه" . نباید اجازه داد که قدرت حکومتی در دست یک فرد متمرکز شود و سرشود مردم میهن ما با زیجای دردست این یا آن دیکتاتور باشد .

مردم از حکومتی دفاع می کنند که بر نظر رای و اراده آنها متکی باشد . در رژیم خمینی ، مردم در تشکیل اجتماعات زاندینستند ، به جای فعالیت آزادانه احزاب سیاسی ، سرکوب خوین نیروهای ترقی خواه و انقلابی ایران به پیش رانده می شود ، این به معنی مسدود بودن راه برای اعمال نظر ، رای و اراده مردم در تعیین سرنوشت خود و میهنشان است .

تا زمانی که چنین شرایطی بر مردم میهن ما حاکم است ادعای متکی بودن متمم قانون اساسی به آرای مردم ، دروغ ، سالیس وریای آخوندی پیش نیست .

مردم با آن متمم قانون اساسی کسسه دیکتاتورها را بر سرنوشته شان حاکم سازد ، بیگانه اند و به آن رای موافق نخواهند داد .

- (۱) : محمد علی اسطی، عضو روحانیون مبارز و معاون بین المللی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی .
- (۲) : آشتیانی ، نماینده امام در زاندارم .
- (۳) : حاجری شیرازی ، امام جمعه شیراز .

در نظر گرفته اند رفع شود" .

ناگفته نماند که گرایش تجدیدنظر در اصول رژیم ولایت فقیه علاوه بر الزامات تراجعه مسه سرمایه داری ، دارای محرک سیاسی است و از جنگ قدرت در هیات حاکمه سیراب می شود .

روزی ما اطلاعات به دنبال برکناری منتظری برای نخستین بار از صلاحیت رفسنجانی به عنوان جانشین خمینی سخن به میان آوردیم . اما این شکل طرح سالها مانده پیدا نکرد . شواهدی که از آن است که محافل حاکمه مصلحت را در این دیدگاه ندانند تثبیت مقام و موقعیت رفسنجانی را با به فرجسام رساندن تمرکز در مدیریت قوه مجریه به سود مقام ریاست جمهوری حل و فصل کنند .

مطبوعات از قول بانفوذترین شخصیت های رژیم این بحث را به میان آوردند که : "باید دست نخست وزیر در ریاست جمهوری ادغام شود" . آخوند خاندان در نماز جمعه ۲۹ اردیبهشت تاکید کرد که رئیس جمهوری آینده را باید برای اختیار وسیع با دست نخست وزیر نیز باید بدهند . او در همانجا از نامزدی رفسنجانی برای ریاست جمهوری پشتیبانی کرد . گفته می شود که نخست وزیر هم چنین ادغامی موافق است ، زیرا که بسیاری از مشکلات اجرایی گذشته را از میان برمی دارد ، اگر این فکری را ندهد ، و ما له تمرکز در مدیریت قوه مجریه به شکل سیر آرد ، ریاست جمهوری کسه قدر قدرت است به نفع ما خواهد رسید ، این کسه نوعیتی که رفسنجانی در حکومت داد نیز سازگار است .

باید به همین دلیل نیز با شدکند مسه ریاست جمهوری او ، اکنون دیگر به آوازی بلند تبدیل گردیده است . اما معذروا نیت مبارزهران جامعه روحانیون سازگرمای بندهکی سیاسی آخوندهای کشور را بر عهده دارند ، او را به عنوان کاندیدای خود را انتخابت ریاست جمهوری آینده معرفی کردند . سران زار نیز با صدور اعلامیه ای به این انتخاب تهنیت گفتند .

به این ترتیب هم موضوع رهبری وهم سالسه تمرکز در مدیریت قوه مجریه ، در اصول و در شکل عملی - سیاسی آن ، اندازد زاری داد و فوج پیدا کرده است .

اما بیین تغییرات در دیگر موارد قانون اساسی به جهت ترتیب پیش رانده می شود ، البته اطلاعات در موارد دیگر را با بدناغ کیفیست تغییرات شناخته شده در موضوع رهبری و تمرکز در مدیریت قوه مجریه به عمل می آید . با این حساب بررسی تغییرات احتمالی در دیگر موارد به درک روشن تر ما هیات نویسی اصلاحیه قانون اساسی کمک می کند و تا این زمان به نیت .

قوه قضائیه در جمهوری اسلامی ایران مصداق کامل دیوان بلخ است و به تمام معنی خصلت بدوی و قرون وسطایی دارد . این قوه در رژیم خمینی خارج از حیطه هرگونه نظارت قانونی است و تنگیلات آن هم در برابر هیچ نیرویی مسئول و پاسخگو نیست . آنچه که در قوه قضائیه عمل می کند توحش و سربریت است . اصل ۱۶۴ قانون اساسی به ترتیبی تنظیم شده است که در عمل ، هیچ قاضی را نمی توان به خاطر ترحم و تخلفش ، به طور موقت یا دائم بازخواست و منقل کرد . به این دلیل و به هزارویک دلیل دیگر در جمهوری اسلامی هیچگونه امنیت قضایی وجود ندارد .

در حالی که طبق اصل ۶۱ "اعمال قوه قضائیه به وسیله دادگاههای دادگستری است" ، همه مسئولیت ویردادگستری به موجب اصل ۱۰۶ در حیطه روابط با قوه مقننه و مجریه خلاصه شده است . اصل ۱۵۷ هم شورای عالی قضایی را "با آخرین مقام قوه قضائیه" می شناسد و این در حالی است که مسئولیت شورای عالی قضایی در قبائل مملکتدین قسوه و امنیت قضایی در کشور به هیچ ترتیب معلوم نیست .

تمرکز در مدیریت قوه قضائیه کما است متوجه الفا مدیریت شورای در این قوه و تمرکز دادگاه دستگه قضایی جمهوری اسلامی در دست یک نفر می باشد . آنچه که مشهود است تحکیم سلطه آخوندها در سازمان قضایی کشور است . در جمهوری اسلامی ، اصل برائت به نحو خشنی نقض می شود و قضاوت بسر اساس قوه شورای قاضی شرع است . تا زمانی که

شناختن موازین حد اقل دستمزد هم نگشت نما باشد. با آنطور که کارگران در گران نون نورا های استان خراسان به درستی گفتند: "قانون کارگران کسری کنند که کارگروقتی که خارج شجره چه هم باشد، کارگران علاوه بر مضمی نرود و کارگران در هضم در کارخانه وضع حمل کنند!

در گذشته های این قانون هم مانگی نورا های اسلامی کارستان خراسان در آرمه ۶۷، یکی ز کارگران گفت: "یعنی از نمایندگان مجلس بار ما لسی قانون کار را ۶۰۰ میلیارد تومان بر آوردند، این که مهم نشان دهند، بار ما برای ۳۰ سال محاسبه کرده اند، یعنی از ماضی تا زمان حال در حالی که گرمی خواستند منصفانه برخورد کنند با بدبختی یک سال محاسبه می شد. چرا که بودجه هر سال مخصوصی همان سال است."

کارگران تمهیداتی را که برای فریب اذهان نا آگاه و توجیه مشروعیت دفاع از منافع سرمایه داران به کار گرفته می شود، افشا کردند.

مجمع تشخیص مصلحت رژیم در دفاع از منافع سرمایه داران به ویژه کلان تجار، با این توجیه که "اجرای قانون مصوب مجلس بر سر راه انتقال سرمایه ها از بخش خدمات به بخش تولید سنگ می اندازد"، این قانون را در گردوخیمی با تأیید طرح با سازای کشور و واگذاری واحدهای اقتصادی غیراستراتژیک به بخش خصوصی، برای رسیدن اقدام مجمع تشخیص مصلحت مهرتاً تئید گوید و راه را برای مسخ کامل همین قانون عقب مانده تئیسز هموار کرد.

تجربه ده ساله کمیته جمهوری اسلامی نشان داده است که توجیه به پیوند شرایط کار روزندگی زحمتکاران در قلموس خدمت آخوندی جای ندارد، با عکس این رژیم در غارت و کشتن ویی خاننمان کردن بدظلولایی دارد.

تجربه ده ساله اخیر در عین حال به خوبی نشان داده است که کارگران علیرغم همه توطئه ها و تضییقات، مبارزه برای احقاق حقوق خود به ویژه حق برخورداری از قانون کار، در مبارزه با متوقف نکرده و نخواهند کرد. بیشران و فعالین بخش کارگری به ویژه هسته های مخفی کارگری با پیوند توطئه اخیر خمینی و مجمع تشخیص مصلحت علیه کارگران و زحمتکاران را قاطعانه افشا کنند و با پیگیری نه در جهت سازماندهی کارگران با سببری ای دستبای به قانون کار در مبارزه با مبردارند.

طرفین برای این باورند که مبنای مسجوری مستقل، طرفدار رطلح، بیطرف و غیر متعهد خواهد بود، با چنین اهدافی خواهان مصالحه ملی بسا شرکت چپا رحریان موجود در ک مبنج هستند. اتحاد شوروی و جمهوری خلق چین معتقدند که هر چه سریع تر با یکدیگر تئین بین المللی برای اخل مسئله کا مبنج تشکیل شود. طرفین در آینده تمام تلاش مشترک خود را به کار خواهند گرفت تا مسئله کا مبنج به شیوه های عادلانه و معقولانه با وسایل سیاسی حل و فصل شود.

طرفین موافقت می کنند که تدا بیسری برای محدود کردن قوای نظامی در مناطق مسری دو کشور تا حد اقل ممکن اتخاذ شود. طرف چپین از اعلامیه و آغا خروج ۷۵٪ از قوای اتحاد شوروی از خاک جمهوری خلق متولستان استقبال می کند و امیدوار است با قیما نده قوای شوروی در مدتسی نسبتاً کوتاه به طور کامل از منولستان خارج شوند.

طرفین معتقدند که مسایل مرزی دو کشور که ریشه های تاریخی دارند باید به شکلی عادلانه و معقولانه بر مبنای قرارداد دپیرامون مرزهای کنونی چین و شوروی حل و فصل شود.

هر دو کشور از وضعیت اقتصادی و قبیل از همه از وخیم شدن اوضاع اقتصادی کشورهای در حال رشد و بیشت شدن اختلاف شمال و جنوب و جاد تر شدن مسئله قروض مالی اظهار نگرانی می کنند و معتقدند که مسئله نظم نوین اقتصاد با تأمین منافع خلق های کشورهای مختلف به مسئله مبرم تبدیل شده است.

شوروی و چین طرفداران بالرفتن اتوریته سازمان ملل متحد هستند، این سازمان با بدتفتش فعال تری در حل مسایل بین المللی ایفا کنند و همه دولت های جهان (کوچک و بزرگ، ضعیف و قوی) حق مشارکت برابر بر حقوق در حیات بین المللی را دارند.

دیدار رهبران اتحاد شوروی و چین و عبادی شدن مناسبات شان در سراسر جهان با انعکاس مثبت مواجهدر دیوموردا استقبال محافل اجتماعی، احزاب و دولت های گوناگون قرار گرفت و آنسترا یک واقعه بزرگ و یک دیدار تاریخی در حیات دو کشور بزرگ سوسیالیستی دانستند. امید می آید که آغاز همکاری ها و توافق های جدید بین جمهوری خلق چین و اتحاد شوروی در جهت سازماندهی مناسبات و روابط بین المللی و تأمین صلح و امنیت جهان به ویژه اوضاع منطقه آسیا و قیاموس آرامتاً شیرتاً مثبت خود را بر جای خواهد داد.

مطرح می گردد، نتیجه ای جز سرگردانی و شوا بر برای کارگران نداشت و خیلی بی تفاوت از کشتن نظام آن می گذردند.

این گوشه ای از برده است که در یک نشریه رسمی رژیم لارفته و نگرش کارگران را نسبت بسبه واقعیات تلخ جامعه نشان می دهد.

کلاف سردرگم اقتصاد دکتور بحران زده رژیم آخوندی قطعاً با اعتباری به منطبات میسر و اساسی طبقه کارگر، با زهم پیچیده تر و سردرگم تر می شود. عدم تصویب این قانون حتی توانیدن بر ما مریزی های دکتور رژیم را نیز عقیم گذارند یا در اجرا با مشکلات روبرو می کند. به عنوان مثال یکی از مشکلات اجرای قانون بازنشستگی پیش از موعد - قطع نظر از مضمونش - آن بوده که کارگران منتظر تصویب قانون کار بوده اند تا مسئله حق سنوات کارگری روشن شود و آنها تصمیم بگیرند که آیا متقاضی بازنشست شدن پیش از موعد میشوند یا خیر. با عدم تصویب قانون کار و این بلاتکلیفی ها نیز کارکنان برجای خود باقی است.

قانون کار همچنان در بن بست

اما سؤال اصلی کارگران این است که دلیل بازگرداندن لایحه قانون کار به مجلس شورای نگهبان چه بوده است؟ آنچه که تا به حال عنوان شده، این است که اجرای قانون کار مصوب مجلس از یک سو با استکین مالی برای دولست همراه خواهد داشت، و به دلیل همین بار مالی موجب خودداری سرمایه داران از سرمایه گذاری در بخش های تولیدی اقتصاد کشور خواهد شد. این دلایل به قدری بی پایه است و آنچنان بی بای توجیهی نسبت به منافع کارگران آفا شده که صدای و استکان رژیم نیز در آورده است.

کسانی که این قانون را خوانده باشند، متوجه شده اند که در آن هیچ حقوق فوق العاده ای برای کارگران پیش بینی نشده که اختصاصاً با رمالسی سنگینی را ایجاب کند. مگر آنکه جمهوری اسلامی بخواد همه نظریه ها که تنها کشور عموماً زمان بین المللی کار را نسبت به حقوق کارگران اسلامی اش حقوق کارگران در زمره دیون صنایع کارفرمایان به شمار نیاورد و تنها کسوری در حیان با شکرها نظیر رسیده است.

هیچکس نمی تواند مدعی درانحصار دانستن حقیقت باشد و سر تا دل اطلاعات برای غنا بخشیدن تجارب یکدیگر تا کیدر دبد، گفته شده که مقابله با دیونگها و همای همسوی ها در حل مسایل مبرم با بددر خدمت متد های ما رگنستی و برای تئیک ساختن سوسالیسیسم نیوسازی و اطلاعات آن فرا رگیر دور برای یافتن اشکال و متد های متنوع رشد سوسالیستی تبادل نظروانتقال تجربه مورت کیدر. در پایان دیدار کار با جف از چین بیانیه مشترکی منتشر کردید که فشرده موارد مهم تر آن در زیر می آید:

طرفین متفقاً اعلام می کنند که مذاکرات در خدمت عادی کردن روابط دو کشور و در پاسخ نیازه ها و منافع بنیادی و آمل خلق های اتحاد شوروی و چین و استقرار و حفا ظام صلح در جهان است. اتحاد شوروی و جمهوری خلق چین بر اساس موازین برابری و بیغ متقابل به شکل فعال و همه جانبه، روابط و همکاری در عرصه های اقتصادی، تجاری، علمی، تکنیکی و فرهنگی و... را تکامل خواهند بخشید.

هر دو طرف معتقدند که صلح و ترقی دو مسئله اساسی جهان معاصر است و از رورده های تشخیص داری در سطح بین المللی استقبال و در آن مشارکت می کنند و با ارزیابی مثبت از اقدامات کشورهای مختلف برای محدود کردن تسلیحات و درگیری های منطقه ای، هر یک به توبه خود به تلاش های خود در این عرصه شدت خواهند بخشید.

اتحاد شوروی و جمهوری خلق چین فعالیت مشترک در راستای سازماندهی ریشهای اوضاع جهانی را ضروری می دانند، با این هدف، اتحاد شوروی برای گسترش نوادیشی سیاسی در روبا بسسسط بین المللی و چین برای استقرار نظم نوین سیاسی در جهان مبارزه می کنند.

اتحاد شوروی اعلام می کند که در سبست خارجی متکی بر آن است که صلح بالاترین ارزشها است و در راه صلح واقعی (و از جمله سلاهیام اتعی) تلاش می کند، بر ترقی ارزش های عمومی بشری و مسایقه صلح میز بسستم های مختلف اجتماعی اقتصاد در شرایط انتخاب آزاد و تعادل منافع، تا کیدد ارد. طرف چین تا کیدمی کند که جمهوری خلق چین سیاست خارجی مستقلانه، غیر وابسته و صلح آمیز را دنبال می کند و به طور قاطع بر این موضع استوار است که در اتحاد دبا هیچ کشوری وارد نشود.

اخیراً به مندرج در نشریات جمهوری اسلامی حاکی از آن است که "مجمع تشخیص مصلحت نظام" از تصویب قانون کار مصوب مجلس شورای اسلامی خودداری کرده و آن را برای بررسی مجدد به مجلس شورای نگهبان عودت داده است. این اقدام در شرایطی صورت گرفت که زهرگوشه و کنار کشور و حتی از طریق مجاری رسمی و قانون های عینی جمهوری اسلامی، از جمله در نشریه "کار و کارگر" نیز مطالبه کارگران مبنی بر ضرورت تصویب قطعی و اجبرای بی درنگ قانون کار و سوسیا با زتاب یافته بود. از چند ماه قبیل از دهمین سالگرد انقلاب بهمن ۵۷، برخی نورا های اسلامی کار، قانون های هما هنگ نورا ها و دیگر مجامع کارگری رسمی، نامه ها و طوهارا های متعددی برای مجمع تشخیص مصلحت فرستاده و درخواست کرده بودند که به عنوان "هدیه دهه فجر" به کارگران، قانون کار را تصویب کند، اما این مجمع که عمدتاً به منظور رفع اختلافات مجلس و شورای نگهبان و شکستن بن بست تصویب قانون کار اسلامی، تشکیل شده بود، در برابر فشارهای روز افزون سرمایه داران و کلان تجاری که دستها برای بلعیدن کارخانجات نیز گزیده اند، تسلیم شد و با این درکل ماند.

همچنانکه بارها گفته ایم، لایحه قانون کار مصوب مجلس نونتا قانون مناسبی نیست بلکه به لحاظ اشکالات عمده ای که در زمینه تسهیل شرایط اخراج کارگران، عدم پاسخگویی به مسئله تسلیحات کارگری، و بر مسیبت نشان دادن حق اعتصاب، نگنجاندن حقوق کارگران در زمره دیون ممتازه کارفرمایان و غیره دارای است، قانون کار را مست عقب مانده، اما با وجود این اشکالات عمده در حالی که کارگران روز به روز در برابر فشار کارکنانی، تورم و اقتصاد بحرانی زده می آیند رژیم بیستتر له می شوند، در حالی که نونتا قانون کار رژیم سابق بر مناسبات کار که فرماست و عموماً از نیاشی از آن همراه با تضییقات دیگری که رژیم فعلی به وجود آورده، گریزنا غیر متوجه کارگزار است، با زهم رژیم حاضر نده است قدمی قدمی و لو کوچک در جهت تخفیف و تعدیل مشکلات کارگران و زحمتکاران بردارد.

در گفتگویی با اعضای کمیته ما من اجتماعی قانون هما هنگی نورا های اسلامی کارستان تهران که در نشریه "کار و کارگر" درج شده، یکی از کارگران گفته است: "جامعه کارگری از خود سؤال می کند چرا زمانی که کوچکترین مسئله فشرده مطرح می گردد خیلی سریع بررسی و حل می شود ولی زمانی که مهم ترین مسئله فشرده زحمتکار (یعنی قانون کار)

حکومت مجدد رژیم توسط عفو بین الملل

سازمان عفو بین الملل با انتشار بیانیه ای در مورد نقض حقوق بشر در جهان، یک بار دیگر جمهوری اسلامی را به خاطر اعمال شکنجه و اعدام زندانیان شدیداً محکوم کرد. عفو بین الملل در گزارش خود، چند کشور جهان را به خاطر اعمال مجسبات اعدام محکوم کرد.

در گزارش گفته شده است که در ایران، عراق، بنگلادش، پاکستان و آمریکا مجازات اعدام در مورد نوجوانان نیز به کار برده شده است. در این گزارش جمهوری اسلامی به عنوان رژیم کسند شدیدترین شکنجه را علیه مخالفان سیاسی اعمال می کند، محکوم شده است.

حکومت جمهوری اسلامی از سوی مجامع بین المللی به صورت آوری همیگی و عادی در آمده است. طی ده سال حکومت آخوندی، اعتراضات بین مجامع علیه جنایات رژیم بی دربی تکرار شده است، در اثر فشارهای نیروهای سیاسی ایران و مجامع بین المللی جمهوری اسلامی در آفکار عمومی جهان به عنوان رژیم وحشی و بی اعتباری به بدبختی ترین و ابتدایی ترین موازین انسانی و رژیم شکنجه گرو تا ریک اندیش شناخته شده است. جمهوری اسلامی چهره تروریستی خود را چه در رابطه با مردم ایران و چه در مقیاس بین المللی با رها و رها بی پروا و هربا ربا و حتی بیشتر به نمایش گذاشته است که آخرین نمونه تئیسز دستور العمل تروریستی رفسنجانی به مردم فلسطین علیه شهروندان امریکایی، فرانسوی و بریتانیایی است.

دیدار تاریخی... بقیه از صفحه اول

نمایندگان خبرگزاری ها و جراید مهمه داخلی و بین المللی بیرون مسائل مهم جهان و از جمله مناسبات اتحاد شوروی و چین شرکت کرد. وی طی اقامتشن در چین با محافل اجتماعیه و مردم فلسطین میمانا به گفتگو پرداخت و از شانگی نیوسازی با زدید کرد.

بن بست مذاکرات صلح ایران و عراق

طی ماه گذشته مذاکرات ایران و عراق زیر نظر دبیرکل سازمان ملل متحد در ژنو آغاز شد. این مذاکرات بدون نتیجه ملموس پایان یافت. از آغاز مذاکرات دو کشور نتایجی که به دست آمده بسیار ناچیز بوده و مذاکرات عملاً در بن بست گرفتار آمده است. اکنون سازمان ملل متحد تلاش می کند که بن بست مذاکرات شکسته شود.

تاکنون موانع موجود نگذاشته اند که به مذاکرات درجهت حل و فصل مسأله امتیاز اختلافات دو طرف پیش رود. این وضعیت نتایج امتیاز طرفین در رفع این موانع است. در میان مجموعه عوامل مایل به زادن، امتناع عراق از پذیرش قرار داد ۱۹۷۵ الجزیره به عنوان مبنای مذاکرات، نقش درجه اول را ایفا می کند. رژیم عراق هنوز حاضر نشده است که ادعای مالکیت بر اروندرود را کنار بگذارد. علاوه بر آن عراق هنوز حدود ۱۰۰۰ کیلومتر مربع از اراضی ایران را که در آخرین روزهای جنگ اشغال شده، در اشغال دارد و از خارج گسیردن نیروهای خود را از این مناطق خودداری می کند. در مقابل جمهوری اسلامی نیز از آزاد کردن همه اسرای عراقی و قطع بازرسی کشتی ها در خلیج فارس امتناع می کند. همچنین با بدبختی وری کرده که هنوز حالت سیخ جنگی در هر دو کشور حفظ شده و هر دو رژیم نیروهای نظامی خود را آماده نبرد نگه داشته اند.

امتناع عراق از تخلیه مناطق اشغالی، نقض اسرار و مفاد قرار داد ۵۹۸ است. این عهد شکنی عراق برای گرفتن امتیاز از جمهوری اسلامی در مذاکرات است. این عهد شکنی به رژیم خمینی بیانه می دهد که با آزاد سازی همه اسرا موافقت ننموده و از برتری تعداد اسرای عراقی برای گرفتن امتیاز از طرف مقابل سوء استفاده کند. با بدبختی کرده که گروگان گرفتن اسرای جنگی غیر اخلاقی ترین کار دور رژیم است. آنها حدود ده هزار انسان را که به خاطر جنگ بیهوده گرفتار شده اند، وسیله مصلحت شده اند.

وضعیت فعلی در روابط دو کشور، وضعیت جنگ و نه صلح است و نمی تواند برای همیشه ادامه یابد. طرفین باید این وضعیت را به سود استقرار صلح بین دو کشور تغییر دهند. ادامه بن بست مذاکرات و حفظ حالت نه جنگ و نه صلح به زیرساخت ملت های ایران و عراق است. این وضعیت باید از اساسی دگرگون شود و روابط حسن همجواری و منکی بر عدم مداخله و توسل به زور در حل اختلافات، بین طرفین برقرار شود. سران دور رژیم باید استقرار صلح با ایران دو کشور را بپذیرند.

اهمیت مذاکراتی در این است که آیا موفق می شود بن بست موجود را بشکنند یا خیر. برای گشایش راه موفقیت مذاکرات، طرفین باید اقداماتی که بی اعتمادی فیما بین را که محصول هشت سال خونریزی است، تشدید می کند و توسط مقابل را به انجام اقدامات تلافی جویانه نباشد و امی دارد، خودداری کنند، سیخ نیرو و حال است جنگی را قطع کنند، حل همه اختلافات از راه مذاکره و پذیرش قرار داد ۱۹۷۵ الجزیره را به عنوان مبنای مذاکره قبول کنند. قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت زمینه جانی حل اختلافات را فراهم کرده است، طرفین باید آن را بدون قید و شرط بپذیرند.

در لحظه کنونی، برای اجرای قطعنامه ۵۹۸ و گشودن راه صلح، آزاد کردن همه اسرای جنگی توسط دو طرف و تخلیه مناطق اشغالی توسط عراق نقش جدی دارد. عراق باید بدبختی که به نیروهای خود را از ایران خارج کند و در پیشرفت مرزهای بین المللی مستقر سازد، طرفین بپذیرند. همچنین باید به طرفین بپذیرند که تحت نظارت ملیت سرخ جهانی اسرای جنگی را بدون قید و شرط آزاد کنند و با زکشت دست داده و طلبان آن را به میهن شان تا مین نماند. مراجع بین المللی به ویژه سازمان ملل نباید اجازه دهند که دور رژیم جان انسان ها را وسیله مصلحت و باج می بیند. در این زمینه همه مردم ایران از همه دولت ها و مراجع جهانی به ویژه شورای سازمان ملل متحد می خواهد که دو حکومت را برای شکستن بن بست مذاکرات و انعقاد قرار داد صلح تحت فشار بگذارند.

بن بست مذاکرات صلح ایران و عراق، نتیجه عملی است و نمی تواند برای همیشه ادامه یابد. طرفین باید این وضعیت را به سود استقرار صلح بین دو کشور تغییر دهند. ادامه بن بست مذاکرات و حفظ حالت نه جنگ و نه صلح به زیرساخت ملت های ایران و عراق است. این وضعیت باید از اساسی دگرگون شود و روابط حسن همجواری و منکی بر عدم مداخله و توسل به زور در حل اختلافات، بین طرفین برقرار شود. سران دور رژیم باید استقرار صلح با ایران دو کشور را بپذیرند. اهمیت مذاکراتی در این است که آیا موفق می شود بن بست موجود را بشکنند یا خیر. برای گشایش راه موفقیت مذاکرات، طرفین باید اقداماتی که بی اعتمادی فیما بین را که محصول هشت سال خونریزی است، تشدید می کند و توسط مقابل را به انجام اقدامات تلافی جویانه نباشد و امی دارد، خودداری کنند، سیخ نیرو و حال است جنگی را قطع کنند، حل همه اختلافات از راه مذاکره و پذیرش قرار داد ۱۹۷۵ الجزیره را به عنوان مبنای مذاکره قبول کنند. قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت زمینه جانی حل اختلافات را فراهم کرده است، طرفین باید آن را بدون قید و شرط بپذیرند. در لحظه کنونی، برای اجرای قطعنامه ۵۹۸ و گشودن راه صلح، آزاد کردن همه اسرای جنگی توسط دو طرف و تخلیه مناطق اشغالی توسط عراق نقش جدی دارد. عراق باید بدبختی که به نیروهای خود را از ایران خارج کند و در پیشرفت مرزهای بین المللی مستقر سازد، طرفین بپذیرند. همچنین باید به طرفین بپذیرند که تحت نظارت ملیت سرخ جهانی اسرای جنگی را بدون قید و شرط آزاد کنند و با زکشت دست داده و طلبان آن را به میهن شان تا مین نماند. مراجع بین المللی به ویژه سازمان ملل نباید اجازه دهند که دور رژیم جان انسان ها را وسیله مصلحت و باج می بیند. در این زمینه همه مردم ایران از همه دولت ها و مراجع جهانی به ویژه شورای سازمان ملل متحد می خواهد که دو حکومت را برای شکستن بن بست مذاکرات و انعقاد قرار داد صلح تحت فشار بگذارند.

برای سر به نیست کردن هزاران انسان آزاده که با رژیم خون ریز خمینی مخالف بودند. تا نیا، وزارت اطلاعات و دستگاه جیبی ساوا مملو است از ساواکی ها و نفوذی های "سیا". همه می دانند که بخش های دست نخورده ساواک یکی رجه با ساوا ممنتقل شوکا رشناسان ساواک که چهره های کسار آزموده "سیا" هستند، در خدمت دستگاه های سرکوب رژیم به کار گرفته و استخدام شدند. این اسناد از نفوذ سیا در سازمان های اطلاعاتی و امنیتی رژیم خمینی، ادعای ری شهری مبینی بر کشف و تلافی شکیه عظیم جاسوسی آمریکا را به گزافه گویی مسخره ای تبدیل می کند.

تا نیا، زمان دستگیری ها با توجه به سرکوبی و با لاکو قتل جنگ قدرت در حکومت بیشتر این اراکات است که کنده این تما بش برای برده پوشی منازعات درون هیات حاکمه و توجیه سرکوب مخالفین، بروی محنت آورده شده است. این سرکوب با زداشت ها زمانی صورت گرفته است که دور رژیم هنوز نتوانسته است پیروان منتظری را نسبت به مشروعیت عزل او قانع سازد. علاوه بر آن رفسنجانی برای ریاست جمهوری حیز برداشته و در این رابطه به خاموشی کردن اعتراضات پیروان منتظری و حتی جلب حمایت آنان نیاز مند است. از این رو همزمانی های مزورانه و انجام اقداماتی از سوی رفسنجانی که چهره او را بی بیروان منتظری را پیش دهد و از آنها را بفرساید، مورد توجیه است. دستگیری و زداشت عدای به عنوان جاسوس آمریکا، یکی از این اقدامات است. به نگویند که یکی از انگیزه های رفسنجانی در اعلام جنگ علیه "دحجاب ها" و دلسوزی برای جنس فلسطین از طریق ترغیب مبارزان فلسطینی به ترور و ترشروندان برخی کشورهای غربی همین چهره آرای، منحرف کردن اذهان عمومی و فریب هوا داران و معترض منتظری و خالی کردن زیر پای او بوده است.

قطع نظر از اینکه یکی از فعالیت های دایمی غرب به ویژه آمریکا در ایران، کسب و شکار سیاسی خود در رژیم سیاسی کشور بوده و ویژه در میان ارتش و سپاه و وزارت خانه ها است، دستگیری های اخیر، یورش تازه رژیم علیه مخالفان خود در ارتش و وزارت خانه ها، موبد تشدید خلقان، سرکوب و دیکتاتوریت توسط نا دحجاب ها می باشد.

سازمان ما صدور حکم اعدام افسران ارتش توسط رژیم را محکوم می کند. اعدام مخالفان سیاسی و عقیدتی، علمی و وحشیانه و غیر انسانی نیز یکی از فعالیت های اساسی و عقیدتی با شتون انسانی و با تمدن بشری بیگانه است. بی با حق حیسات از کسانی که دارای وجدان و معتقدات سیاسی دیگری هستند و در راه دلائل می کشند، غیر منصفانه و وحشیانه است.

به نظر سازمان ما اگر اتمام جاسوسی مطرح باشد، باید در درگاه و گاه رفسنجانی و با حضور کولای مدافع متهم مورد ادعای فرار گیرد و زمانی که جنین اتهامی با ادا دلائل اثبات نشده است، امسئل بر ائت مورد متهم باید به طور کامل رعایت شود و حقوق اومری گردد.

به طریق اولی اگر با رژیم به رژیم سلطنتی نیز مطرح باشد، با بدبختی که صرفاً اعتساست و جانبداری از رژیم سلطنتی بران نیست. کسی را نباید به دلیل اعتقاد دینا بن آن رژیم تحت فشار یا بیگردد قرار داد یا زداشت و اعدام شود. ما خواهان تا مین و تضمین حق آزادی فعالیت سیاسی برای همه احزاب، سازمان ها، شکل ها، جمعیت ها، کانونها و شخصیت های سیاسی کشور قطع نظر از معتقدات سیاسی و مسلکی شان هستیم که می گویند مردم را با فعالیت سیاسی جذب اهداف و ایده آل های خود کنند. تصریح این مواضع از سوی ما به این معنا نیست که ما با رژیم سلطنتی مخالف نیستیم. ما با رژیم سلطنتی مخالف هستیم. مخالفت ما به این پسین دلیل است که اولاً، کشور ما استبداد زده و فاقد سنت های دموکراتیک است. در چنین کشوری اگر مقامات ملی کشور و لشکری توسط مجلس نمایندگان مردم (مجلس شورای ملی) انتخاب شوند، زمینه خواهد بود که استبداد در آن تجدید ارتکاب کند. تجربه بیلهوی ها و حکومت جا بر آن آنها این را یک بار اثبات کرده است. این واقعیت تاریخی در کشوری اتفاق افتاده است که طبق قانون اساسی، بی باکیت رژیم سیاسی اش سلطنت مشروطه باشد. همواره و همواره و سوگند یاد کرده بودند که به قانون اساسی که تصویب می کرد "تا به تسلط کند و نه حکومت" وفا دار باشند. اما آنها به دیکتاتورهای خون ریز تبدیل شدند.

تا نیا، کارنا مه نیم قرن با دشا ی خاندان بهلوی، از بی عدالتی و مستکبری مملو است. با دشا ی خاندان بهلوی نیز برای مردم ایران جز تشدید بهره کشی و غارت و عمیق تر کردن شکاف میان فقیر و غنی نصیبی نداشته است. می باید که مردم را از تسلط و استعمار امریالیسم فاسد

کشور، به سود منافع چپا و لگرنه انحصارات غربی و به ویژه آمریکایی، به منظور غارت مناسبت و ثروت های ملی میهن ما و تخریب ارزش های بالنده معنوی و فرهنگی مردم ما، از کار پاره های حاکمیت ۵۰ ساله بهلوی ها بوده است. ثالثاً، مردم ما طی قیام ۲۲ بهمن و مبارزات سیاسی و اجتماعی سال های نخست انقلاب رژیم سلطنتی و ملاحضات خاندان بهلوی را مردود اعلام کردند. اگر بپرسیم که آیا رژیم سلطنتی معتقد است، نخستین شرط، کنار گذاشتن عنوان خود بوده است "شاه" است. مگر مردم او را به شاهی برگزیده اند که او خود را "شاه جوان" و "شیریار" می نامد. مگر مردم با نثار جان و عزیزانشان به رژیم شاهنشاهی "نه" نگفته اند؟ آیا این ادعای آقای رضا بهلوی در زمینه مراجده به آراء عمومی مردم ایران برای ردیاتان شیدر رژیم سلطنتی نیز، اساساً بلا موضوع است.

آری ما همانگونه که با رژیم مذهبی و استبدادی مخالفیم، با رژیم سلطنتی نیز مخالفیم. ما طرفدار جمهوری مردم خود هستیم. ما در راه حاکمیت جمهوری مردم ایران مبارزه می کنیم. تا نیا بدبختی که شد که رضا بهلوی هوا داران و همجان در برابر سرکوب نیروهای چپ توسط رژیم سکوت می کنند، بخشی از آنان حتی از اعدام انقلابیون جناظران دما می می نماید. بشرط مقدمه پایداری ما زمان ها سلطنت طلب بهدمکراسی این است که از آزادی فعالیت همه نیروهای سیاسی کشور با نام و مشخصات دفاع کنند و سرکوبگری های رژیم علیه ما را نهی چپ ایران را نیز بپذیرند. طور مشخص و صراحتاً ما سازمان ما را نیز سیاسی می نامیم. محکوم می کنیم.

سیاست دولتی... بقیه از صفحه اول بخش دولتی در اقتصاد دیمه میزان قابل توجهی کاهش خواهد یافت و از کنترل دولت بر صنایع و بازرگانی داخلی و خارجی کشور کاسته خواهد شد. مقررنده است که دولت طی مدت معینی تمام واحدهای تولیدی و خدماتی به اشتراک تصانی کلیدی نظیر ذوب آهن و نفت و... را که به هر نحوی زیر کنترل آن قرار دارد به بخش خصوصی واگذارد و با پیوستن فروش کردن نفت با سایر منابع طبیعی و معدنی کشور مخرج اجرای طرح را تا مین نماید.

همچنین خمینی طی فتوایی اجازه گرفتار کردن وام از کشورهای خارجی برای تا مین هزینه های بازاری و بهیود وضع اقتصاد دبحران زده کشور را صادر کرده است.

سیاست های ناظر بر طرح بازاری و سمت گیری اقتصادی جدید جمهوری اسلامی که اکنون قانویت یافت و در حال اجراست، در واقع پاسخ به خواست تجار بزرگ و حامیان آنها است که زسال ها پیش خواهان تسلط بر همه امور اقتصادی ای کشور بوده اند. یکی از خواسته های همیشگی تجار بزرگ این بوده است که اداره اقتصاد کشور به آنها سپرده شود و از این زاویه با دولت موسوی مخالفت می کردند. این خواسته همیشگی او را خرید و بزرگش، عسکرا ولادی، نماینده حاکمی شناخته شده تجار بزرگ بازاری، چندین پیش طوسی مضاحبه ای اعلام کرده: بسیاری از مشکلات موجود با سپردن امور اقتصاد ای کشور به بخش خصوصی قابل حل است. او افزود که: ترمیم خرابی های ناشی از جنگ بدون استفاده از منابع خارجی امکان پذیر نیست، او همچنین خواهان احیای تمام و کمال بخش خصوصی شد. تصمیمات اخیر شورای بازاری و تا یکصد خمینی موبدان است که رفسنجانی و حامیان او با حمایت خمینی به این خواست پاسخ مثبت دادند. آنها در یکی از مهم ترین عرصه ها یعنی سیاست ها و امور اقتصادی کشور که سال ها برای بر سر اختلاف نظر وجود داشت، سیاست اقتصاد دی طرفداران دولت را از سر راه برداشتند و بر جدی ترین خواست و منافع تجار بزرگ گردن نهادند.

اکنون سیاست و سمت گیری اقتصادی رژیم خمینی کاملاً صراحت یافته است، سپردن بخش مهمی از امور اقتصاد ای کشور به دست تجار بزرگ و تا مین و تضمین منافع حال و آینده آنها، در حالی است که نقش و چگونگی تا شیرگاری دولت بر اقتصاد کشورنا مشخص است. این سیاست به زیمان زحمتگشان میهن ما است. چنین سیاستی در خدمت حفظ رژیم و برای فرار از بحران اقتصادی گسترده ای است که جمهوری اسلامی با آن دست و پنجه نرم می کند. طرح قانونی بازاری که در کنگره اجرایه دولت ابلاغ شده است نشان می دهد که سران جمهوری اسلامی در پی آن نیستند تا با سیخ همه امکانات ملی، استفاده از درخور برینا مهیزی شده تا آنها استفاده از همه منابع و امکانات همکاری بسازد. کشورهای خارجی در چراغ جوی مناسباتی عادلانه، بر حقوق و متقابل سودمند به وضع تا بسا مان اقتصاد ای کشور رسوا مان دهند.

سفر خامنه‌ای به چین

دراواست ما گذشته، خامنه‌ای رئیس‌جمهور رژیم خدایی به قصد دیدار با رهبران چین و کسره شمالی روانه آن کشورها شد.

مقامات چین در جریان سفر خامنه‌ای اظهار داشتند که دیدار جاری وی از یک مناسبت دو کشور را در سطح فرامی بردارد و هدف از این سفر دیدار با رهبران دو کشور ایران و عراق در رابطه با مذاکرات صلح و ترمیمی آن با سازمان ملل متحد همگامی‌های بیشتری را دنبال کنند تا مذاکرات از وضعیت بن بست کنونی آن خارج شود.

در این دیدار موافقت‌نامه‌های در زمینه همکاری‌های دو کشور در عرصه‌های مختلف به امضا رسید که طبق این قرارداد از این پس حجم فروش نفت ایران به چین به دو برابر افزایش می‌یابد (به میزان دو میلیون تن در سال) و همکاری‌های گسترده‌تری در زمینه امور بانکی بین دو کشور صورت خواهد گرفت.

در برخی عرصه‌های اجتماعی دیگر از قبیل مبادله دانشجویان مین بورس‌های تحصیلی و همکاری‌های فرهنگی نیز موافقت‌نامه‌ها امضا و تصویب شده است.

دست‌های آمریکا از پاناما کوتاه!

۱۵ ماه قبل رئیس‌جمهور فدرال آمریکا در پاناما توسط مجلس قانونگذاری آن کشور برکنار شد و ژنرال نوریه‌گا فرمانده کل نیروهای دفاع ملی، جیره‌مستفدان با ناچار آمریکا که بی‌الایات متحده هدف برکناری او را دنبال می‌کرد در مقام خود باقی ماند و رئیس‌جمهور جدید نیز برگزیده شد.

در ماه گذشته مردم کشور کوچک پاناما واقع در آمریکا مرکزی پای صندوق‌های رای رفتند و رئیس‌جمهوری جدید و نمایندگان جدید مجلس قانونگذاری را انتخاب کردند. نیروهای دست راستی کشور، نمایندگان الیگارش پاناما که از حمایت مستقیم آمریکا برخوردار بودند و مخالفان حکومتی به شمار می‌آمدند، در انتخابات شکست خوردند.

کاپولس دوکه ۴۲ ساله، ازجمله اختلاف آزادی ملی که ۸ حزب از جمله حزب حاکم احزاب دیگر (تیک نقلی) و حزب کمونیست را هم شامل می‌شود، به ریاست جمهوری انتخاب گردید.

کاپولس طرفدار تائید حاکمیت ملی پاناما و برچیدن پایگاه‌های نظامی آمریکا در آن کشور است. مردم پاناما بیش از دو سوم آراء خود را به نفع "اختلاف آزادی ملی" در صندوق‌ها ریختند. نیروهای دست راستی کمتر از یک سوم آراء را تصاحب کردند.

دستگاه تبلیغاتی واشنگتن و شخص رئیس‌جمهور آمریکا، جرج بوش، در جریان وپایان انتخابات سرود به راه انداختند. رئیس‌جمهور آمریکا آشکارا قبل از انتخابات خواست بود که ژنرال نوریه‌گا از مقام فرماندهی کل نیروهای دفاع ملی استعفا بدهد و در انستیتو ملی به مردم پاناما آتیا را تهدید کرده بود که اگر بار دیگر نوریه‌گا در مقام خود باقی بماند، آمریکا یک

تهدید است. در این باره خواهد دید. بعد از انتخابات و اعلام نتیجه آن واشنگتن حزب حاکم پاناما را متهم کرد که در انتخابات دست به "تقلب" زده، حیثی‌کارتر

جنش دموکراسی... بقیه از صفحه اول حتی کار به جایی رسا نندیدند که چندین پیش‌آنگار دانشجویان را به تظاهرات خیابانی فراخوانند.

تظاهرات پس از مراسم خاکسپاری هاوکونگ روزبه روز با بعد دست‌نزد تری یافته است. خواهشهای دانشجویان معترض مبارزه علیه فساد خاسته در میان رهبران و کارمندان حزبی دولتی، کسترس

دمکراسی و به ویژه آزادی وسیع‌تر مطبوعات و بلاخره املاط در سیستم آموزش کشور است.

ریشه‌های تظاهرات اخیرا با بدتر تظاهرات اجتماعی انباشته شده در چین طی ده سال سیاست املاط وسیع جستجو کرد. تاریخ نشان داده که هر روندها تکامل با انواع تناقضات و بفرنجی

روبرواست. در یک نگاه عمومی می‌توان با اطمینان گفت که سیاست املاط و اقتصاد که مدبرین به

کشور هدف قرار داده بود، دستاوردهای فراوان به همراه داشت. محصول گندم کشور که در آ

تاسیس جمهوری خلق چین ۴۰۰ میلیون تن بود، درسی سال دوره ما ۱۰۰ میلیون تن افزایش یافت و در عرض فقط ۵ سال اول سیاست املاط به

۴۰۰ میلیون تن بالغ گردیده است. درآمد سرانه مردم چین که در آغاز زرفرم ها در سال

۸۰، ۲۵۰ دلار آمریکا می‌بود، پیشک به ۵۰۰ دلار رسیده است.

گرفته‌است

رژیم خمینی برای بازسازی اقتصادی کشور در فکر گسترش روابط با کشورهای مختلف جهان از جمله کشورهای بلوک شرق افتاده است. سفر خامنه‌ای به چین و کره شمالی و همچنین سفر قریب‌الوقوع رفسنجانی رئیس مجلس خمینی به اتحاد شوروی باید در راستای تحقق این امور مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد.

رژیم خمینی در پس پرده گسترش روابط با کشورهای مختلف جهان سیاست‌ها و اهداف دیگری را نیز برای ادامه وضعیت بسیج جنگی و تغذیه تسلیحاتی قوای نظامی و انتظامی، ارتش و سیا که تعداد آنها بالغ بر نیم میلیون نفر است، به طور جدی تعقیب می‌کند و در این سفرها انتظار مطالبات و بیسزه‌ای از کشورهای میزبان خود دارد. مباحث خارجی از جمله بزرگ تسلیحاتی در سفر خامنه‌ای گزارش داده اند.

مردم ایران خواهان پایان دادن به بسیج جنگی و استقرار صلح با ایران هستند. آنها خواهان خاتمه گشتا زنده‌نیا ن سیاسی و تائید آزادی و حقوق بشر هستند. مردم ایران انتظار دارند که رهبران کشورهای میزبان خواسته‌های آسمان را در نظر بگیرند و در جهت آن خواسته‌ها، رهبران رژیم اسلامی را تحت فشار قرار دهند.

رئیس‌جمهور سابق آمریکا که در ترکیب هیئت برای نظارت بر انتخابات به آن کشور رفته بود، ضمن گزارشی به جورج بوش تومیه کرد که ایالات متحده به دولت پاناما فشار بیاورد. این هیئت از جمله پیشنهاد کرده که آمریکا برای مقابله با ژنرال نوریه‌گا دست به حمله نظامی به پاناما بزند. جورج بوش به پاناما "حفاظت جان آتیا" آمریکا می‌مراقتت از سیاست آمریکا در پاناما " ۲۰۰۰ سرباز تا زه نفس به پاناما کسب کرد و فعالیت واحدهای نظامی در پاناما می‌آمریک؟ افزایش پیدا کرد.

عناصرا فراطی مخالفیه برخی موسسات دولتی و مراکز سازمان‌های سیاسی از جمله مراکز حزب "اختلاف آزادی ملی" حمله کردند.

مخالفین دولت از عوام نیروهای تازه نفس آمریکایی استقبال کرده‌اند. آنها امیدوارند که در آینده رهایی و استقلال به برکناری نوریه‌گا منجر شود و با اینکه در نهایت دخالت آشکارا مستقیم آمریکا آن را متحقق کند.

دولت آمریکا در زمان حکومت کارتر، ضمن موافقت با حاکمیت دولت پاناما اما مواضع خود را در پذیرفتن بود که هر چه ژنرال داره‌گانا با پاناما در اختیار دولت پاناما قرار گیرد، آمریکا در این مدت تلاش کرده است که دولتی سرکار پاناما نتواند

توانع آمریکا را در آن منطقه متین کند. زیرا آمریکا پاناما را منطقه نفوذ خود تلقی می‌کند و علیرغم موافقت‌نامه‌ها و تعهدات و افکار عمومی

چین، در سودای تائید "منافع حیاتی خود است. با قدرت گیری نوریه‌گا، عمل این آرزو و نقشه آمریکا زیر سؤال رفته است. نتیجه انتخابات پاناما نشان داده که اکثریت مردم پاناما طرفدار رهبران پانامایی در حاکمیت کامل ملی هستند و در مقابل نا تزار، فنا رو تهدید و واشنگتن ایستادگی می‌کنند. نیروهای صیهن پرست از حاکمیت کشور خود، حق دمکراسی و رشد اجتماعی - اقتصادی دفاع می‌کنند و مردم هستند علیرغم هر گونه اقدامات خرابکارانه آمریکا در راه برگشت اداره گانال به دست ملت و خاتمه دادن به حضور نظامی آمریکا در سرزمین خود دفاع کننده.

لکن اکنون در آستانه دومین دهه املاط اقتصادی، مسائل نوینی رخ نموده است. جنبه‌های از این مسائل، اقتصادی است. تورم در سه ماهه نخست سال جاری نسبت به سال گذشته ۲۸٪ افزایش یافته و همین دلیل، سطح زندگی شهروندان به طور متوسط ۳۵٪ تنزل کرده است.

مسئله آزادی‌های سیاسی در کشور است. نیروهای که در همین دوره املاط اقتصادی رشد جدی کرده‌اند، یعنی دانشجویان، روشنفکران و تحصیل‌کرده‌گان شهر - نشین، کارکنان رسانه‌های گروهی، کارکنان موسسات صنعتی و غیره امروز آزادی‌های سیاسی را به مثابه بنیاد می‌بیم و مطالبه می‌کنند.

شرایط به لحاظ عینی، پاسخگویی به این مسئله در دستور و قرار داده است. روندها املاط اقتصادی در چین نیز برخلاف روندهای نو سازی در بسیاری از کشورهای دیگر سوسیالیستی، هنگام با حصول در عرصه‌های سیاسی نبوده، بدین لحاظ است که امروز، نیروهای اجتماعی وسیعی از خواست دانشجویان

چینی برای آزادی‌های دمکراتیک پشتیبانی همه جانبه می‌کنند.

جنبه دیگر واقعیت هم آن است که نوسازی سوسیالیستی در کشور بزرگ و پر جمعیت چین که داغ سال‌های دراز عقب ماندگی را بر چهره دارد، با مشکلاتی عظیم همراه است. در این زمینه فاسی

کوجاندن اجباری کردهای عراق را محکوم می‌کنیم

رژیم عراق در ادامه سیاست شوونیستی "قوم کشی" و قلع و قمع خلق کرد، با توسل به سلاح‌های شیمیایی و یونانی روستاها و شهرکهای ارشد نشین شمال عراق، اینک به کوجاندن اجباری کردهایی از خاک یوکا شانه و زابدهوشان دست زده است.

بنابه تصمیم دولت عراق، ۱۵۰ هزار تن از اهالی شهر قلعه دیزه کردستان عراق، محکوم به انتقال اجباری از کردستان به مناطق جنوبی عراق شده‌اند. رژیم صدام به زعم خود می‌خواهد بیشتر کردنشین قلعه دیزه روستاهای حومه آن را از روی نقشه کردستان عراق محکوم کند.

رژیم حاکم بعراق به بطور مداوم و به ویژه در طول جنگ هشت ساله ایران، سعی کرده است به بهانه "تقویت جبهه‌ها و پیشگیری از حملات تیرمگره‌ها" اشغال سرکوبگرانه کردستان، لگدمال کردن حقوق ملی خلق کرد و گشتا مردم بی‌دفاع را توجیه کند. رژیم عراق طی این مدت دهها پایگاه جدید در نقاط مختلف کردستان ایجاد کرد، راه‌های نظامی متعددی در مناطق کوهستانی احداث نمود و چندی پادگان بزرگ و مجهز به مدرن ترین سلاح‌های گشتا را جمعاً از جمله سلاح‌های شیمیایی تاسیس کرد.

رژیم صدام پس از برقراری آتش بس در جنگ ایران و عراق، سرکوب بزرگ کرد در ابعساد و وسیع تر و به نحوی بی سابقه شدیدی کرد، به طوری که در جریان آن شمار کثیری از روستاها و واحه‌های مسکونی کردستان در آتشباران شیمیایی و حملات نظامی یگر، خالی از سکنه گردید.

"جبهه کردستان عراق" طی اطلاعیه‌ای افشاگرانه علیه سیاست‌ها و اقدامات شوونیستی رژیم عراق، خواستار حمایت و اعلام همبستگی جهانیان با خلق ستمدیده کرد و متوقف شدن کسوج اجباری و ناخواسته آنها از موطن و زادگاهشان شد. اطلاعات مزبور در رابطه با انگیزه و هدف رژیم عراق از توسل به این سیاست‌ها تصریح کرد: هدف واقعی رژیم صدام، تغییر حدود جغرافیای کردستان، یا یمال کردن حقوق ملی مشروع خلق کرد و نفی هویت ملی این خلق است.

با ضمن تکیه بر این سیاست‌ها و اقدامات غیر انسانی، خواستار توقف بی قید و شرط ایمن عملیات و به رسمیت شناخته شدن حقوق ملی خلق کرد هستیم و بر خوداری از حق انتخاب آزادانه و بدون اجبار محیط و محل زندگی و به طریق اولی سکونت در زادگاه و موطن خود را حق اولیه، بدیهی و مسلم همه مردم از جمله خلق ستمدیده و آزاد کرده می‌دانیم.

استاناره کنیم که ۸۰٪ جمعیت این کشور هنوز در روستاها ساکنند و در کشاورزی و دامپروری مشغولند. ۲۲۰ میلیون تن از سکنه کشور یعنی یک پنجم آنها هنوز بی سوادند. به گفته رهبران چین پیشین بود اطلاعات دمکراتیک در کشور قطعا با آهنگی مشابه با کشورهای رشد یافته نمی تواند باشد.

اما، رخدادهای اخیر ضرورت اصلاحات سیاسی را هر چه بیشتر نمایان می‌کند. در روزهای اخیر و به دنبال اعتراضات دانشجویان چینی در میدان "ملیح آسمانی"، تظاهرات به اعتراضی همگانی فرا روئید. مقامات رسمی کشور نیز با یک تاخیر چند روزه تلاش کردند تا از طریق مذاکره و گفتگو به راه حلی مشترک با رهبران جنبش اعتراضی دست یابند. زائویانگ، دبیر کل حزب کمونیست چین در ملاقات ۲۸ اردیبهشت با دانشجویان کرد اعلام اعتصاب غذا کرده‌اند، گفت: ما برای نگرانی و احساس مسئولیت شما در مورد مسائل کشور ارزش عالی قائلیم و میبایست پرستی شما را ارج می‌نهیم لکن حل خواسته‌هایی که شما عنوان کرده‌اید، یک شبه ممکن نیست. به اعتنا به غذای خود پیمان دهید ولی گفتگو پیرامون مسائل را در آینده با یکدیگر پیش خواهیم برد.

به دنبال گسترش تظاهرات در کسین، شا نگهای و سایر شهرهای بزرگ چین موج حمایت اقشار وسیع مردم از این تظاهرات، دولت برای آرام کردن اوضاع، ارتش را به کمک طلبیده است. هم‌اکنون در برخی نقاط شهرکین، مقررات منع آمد و شد برقرار است. بر اساس اخباری که تا

۳۰ اردیبهشت دریافت شده، در چند نقطه شهر سنگر بندی‌های خیابانی برای جلوگیری از ورود ارتش به یکن توسط دانشجویان و گروه‌های از مردم صورت گرفته است. هم‌اکنون حدود ۲۰۰ هزار دانشجو علیرغم تمام محبت نخست وزیر چین به تظاهرات و اعتصاب خود ادامه می‌دهند.

چین لحظاتی حساسی را می‌گذراند. تشنج در نقاط مختلف کشور همچنان ادامه دارد. بیشتر حوادث در آینده نشان خواهد داد که رهبران چین تا چه حد خواهند توانست موقفا نه و مطالبی بسا روح شرایط و زمانه بر این دشواری‌ها غلبه کنند.

جهان در پرتو نواندیشی و نوسازی

در جنبش کمونیستی بین‌المللی در کشورهای سوسیالیستی تحولات عظیمی جریان دارد. فکری، سیاسی، زیاده‌خرافی به‌عده است. نوآرایی، نوآرایی، نوآرایی، نوسازی و نواندیشی در ابعاد دشواری و پرتو، نوسازی و نواندیشی بر تازید و پودحیات مبارزه می‌گردد. کمونیست‌ها سوخ کرده‌اند و آنها را دیگرگون می‌سازد. این تحولات بر مسایل عموم بشری، مناسبات بین‌المللی، کشورهای سرمایه‌داری و روش، ویران‌نمایی جهانی و نیز پدیدگی است

ز دانشکاه مل علوم اجتماعی همیشه یک درام، یک ستیز خرد یک عمل سخت و فشرده است که بسا جرخش‌های فوق تصور سوزه این درام همراهِ است. بسط و تکامل تئوری، نبرد ایده‌ها است (ایده‌های سنتی شکل گرفته، مالوف، و ایده‌هایی نو و نه چندان موزون که نظم پیشین را نقض می‌کنند) و نه تنها تصحیح این بی‌آان احکام بلکه با نوسازی کل بنای موجود را طلب می‌نمایند. بسط و تکامل تئوری، نبرد دلیستی‌ها است، آخر فرمول‌های علوم اجتماعی که فرمول معادلات ریاضی یا ترکیبات شیمیایی موجود نیستند که "آرام" و "نکیسا" در انتظار آن با شندگسه انسان اسرار آنها را کشف کند. این فرمول فعالیت انسان‌ها و شعرا و فراخوان‌هایی هستند در جهت اقدامی معین. در پی این فرمول‌ها منافع اجتماعی و متفاوت و گاه به شدت ستیزنده خوابیده است.

نوآوری در تئوری، همیشه مبارزه‌ای است میان مکانیک علمی و گروه‌های سیاسی بر سر رهبری و بر سر اثرگذاری بر زندگی اجتماعی. و با اشاره مسائلی است میان شخصیت‌ها - مسائلی هم‌مدانه (آن‌گاه که هم‌رقبا در پی حقیقت‌اند) و هم آلوده به بلندی پروازی (آن‌گاه که نه حقیقت، بلکه پیروزی به هر وسیله تبدیل به هدف بحث می‌شود). چه می‌توان کرد، تنها در درام‌های عمر کلایسیم است که "فرزانیان" و "ساکرادان" مجرد که تبدیل‌شده انسان‌های اولیه سویی هستند، معنای قابل می‌نمایند. اما در زندگی واقعی با انسان‌های

کدر "یک چشم به هژدن" از ما رگسیم بریدند. انگلی است حکام دوربیت را آزمود. اما حال دیگر دوربیت گجاست، چه کسی آثار او را می‌خواند، چه کسی او را به داد دارد؟ و اگر هم قرآن موش نشده است، چه خاطر آن است که نام او در بیشتر کتاب معروف انگلیس آن هم البته در قالی طنزآمیز، آمده است: "تحویلی که آقای دوربیت در علم ایجا دگر!؟!"

زندگی و ایده‌ها!

زنده‌ای روبرو هستیم که نه تنها منافع اجتماعی و مواضع عملی، بلکه عزت نفس هم دارند. آری، درام، درگیری، و مبارزه‌ای پر ستیز و متاثر از احساسات، اما جسمی آه و افسوس نیست. این روندهای عادی، قانونمند و طبیعی است، و الا تضادهای زندگی اجتماعی و علوم نمی‌توانستند حل شوند. در این زمینه تذکرات در جواب گفته‌های یکی از شرکت‌کنندگان کنفرانس حزب سوسیال - دمکرات کارگری روسیه، بسیار آموزنده است. او شگوه می‌گردد که چگونه ناچار بوده‌است "مبارزه‌پیمانگان"، "پلمیک خن"، اما لنین در جواب بی‌گفت: "واقعاً که چگونه با خن قدر عالی بود." "مبارزه آزادانه و آنگار. نظرات اظهار شدند. ساید روشن را نمودار کشند" (مجموعه آثار، جلد ۸، صفحه ۳۳۳). این‌دنگه، واقعاً هم کننگرد خویی بود. فکرهای نضربخش و سازنده را به قوت برانگیخت و به مبارک است همه در تدوین جمعی استراتژی مبارزه‌آمیزی، تحرک بخشید.

این تضادها، یکی از مضامین کلیدی ما هستند. درحالی‌بخت بیرامون این تضادها، یکی از مضامین کلیدی ما هستند. درحالی‌بخت بیرامون این تضادها، یکی از مضامین کلیدی ما هستند. درحالی‌بخت بیرامون این تضادها، یکی از مضامین کلیدی ما هستند.

این تضادها، یکی از مضامین کلیدی ما هستند. درحالی‌بخت بیرامون این تضادها، یکی از مضامین کلیدی ما هستند. درحالی‌بخت بیرامون این تضادها، یکی از مضامین کلیدی ما هستند.

این تضادها، یکی از مضامین کلیدی ما هستند. درحالی‌بخت بیرامون این تضادها، یکی از مضامین کلیدی ما هستند. درحالی‌بخت بیرامون این تضادها، یکی از مضامین کلیدی ما هستند.

این تضادها، یکی از مضامین کلیدی ما هستند. درحالی‌بخت بیرامون این تضادها، یکی از مضامین کلیدی ما هستند. درحالی‌بخت بیرامون این تضادها، یکی از مضامین کلیدی ما هستند. درحالی‌بخت بیرامون این تضادها، یکی از مضامین کلیدی ما هستند.

برگرفته از نشریه صلح و سوسیالیسم

بزرگان نوبد و پیش از اندازه او را از گزند نقد در مان نگاه داشت. نو هم بنا به اسب سید و مچهر بعضی‌های پیروزی وارد تاریخ شد. چرا که هر "سو" الزام "حقیقی نیست." "نوآوران" بسیاری از مقام دوربیت سراغ داریم

پرستوریکا

گزارشی از پلنوم آوریل ۱۹۸۹ ح-ک-ا-ش

۴ سال پیش در چنین روزهایی نابرگزار پلنوم تاریخی آوریل ۱۹۸۵، حرکت نوینی در جنبش کمونیست و جامعه شوروی نقطه سبزه در جبهه نبرد بینا و پیروزی بود. پیروزی و نوسازی (نوسازی) در جبهه نبرد بینا و پیروزی بود. اکنون دشوارترین و حساس‌ترین مراحل را از سر می‌گذرانند، با کم‌ان ایده‌نوینی، یکبار که ما مل و هم‌دگانه در جبهه نبرد بینا و پیروزی بود. در جبهه نبرد بینا و پیروزی بود. در جبهه نبرد بینا و پیروزی بود. در جبهه نبرد بینا و پیروزی بود.

مسائل سازمانی

۱۲۲ تن از اعضا و مشاورین کمیته مرکزی و کمیون مرکزی گفتنیست که منتخبین کنگره ۲۷ بودند در دوره پس از کنگره به دلیل سن و شرایط جسمانی و سلامتی از سمت‌های حزبی یا دولتی بازنشسته شده، لکن همچنان عضو ارگان‌های رهبری و دارای حق رای در آنها بودند، با امضای نامه‌ای جمعیه پلنوم کمیته مرکزی مراجعه کردند. تقاضای امضا کنندگان نامه این بود که چون در حال حاضر عضویت در کمیته مرکزی، مستلزم مشارکت جدی در امور نوسازی است و آنها به دلیل بازنشستگی در جنبش و وضعیتی نیستند، لذا کمیته مرکزی با تقاضای استعفا آنها موافقت کند. میان امضا کنندگان تقاضا نامه مورد بحث، چهره‌های سرشناسی چون آندره گرومیگو، یوریس پائانا ریف، نیکلای تیخونف، جیدریلیف، و بیش از ۱۰ تن از زبیرال‌های بازنشسته ارتش شوروی بودند. متوسط سن نویسنده‌گان تقاضا نامه، بالای ۷۰ سال است. دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در آغاز بخت بیرامون این تقاضا نامه گفت که مسئله امروز، فقط اتخاذ تصمیم نیست، بلکه کاملاً عظیمی است که در میان زحمتکشان و در جبهه نبرد برای تحقق این تصمیم باید صورت پذیرد. زندگی بسر جای خویش ساکن نمی‌ماند. پیروزی و نوسازی تمام اقتصاد، اجتماعی و سیاسی با تحول در کار در پیش‌بینی‌نده‌ان نیز در پیوسته است. تغییراتی که به ویژه پس از انتخابات اخیر را ملان کشور، پیش آمده در وضعیت کنونی در کمیته مرکزی، چنین تقاضایی را منطقی می‌سازد. زیرا از ۳۰۱ عضو کمیته مرکزی، ۸۳ نفر از ۱۵۷ عضو مشاور، ۲۷ نفر بازنشسته‌اند. تقاضا نامه مرقفاً از اعقاد عمیق حزبی‌شان و اخلاق والای آنان حکایت می‌کند. آنها خود را در شرایط مناسبی نمی‌بینند، زیرا نمی‌توانند در کارهای حزبی و دولتی، فعالیت مشارکت کنند. هیئت سیاسی بر آن است که می‌توان بسا

پیرامون نتایج انتخابات

م. کاربا جف در ارزیابی پیرامون انتخابات اخیر شورای عالی اتحاد شوروی گفت: «این انتخابات یک رفتار ندم عمومی بود که در آن مردم شوروی به پرسترویکا "آری" گفتند، انتخابات در شرایط بسیار بیخبرانه صورت گرفت. در شرایطی که مسئله خود را رهنه زحل شده، مسئله مسکن حادث است، کالاها کمیاب، مصرف عمومی در زمان زه ها کافی نیست و کمبود آنها گام به گام گذشته احساس می شود، وضع مالی دولت دشوار است. در شرایطی که مسئله ملیت در فدراسیون چند ملیتی اتحاد شوروی، به شکلی حادثه می آید و ما جرایم جوانان، فرصت طلبان و مقام پرستان، گما را سوءاستفاده از آن می کنند. در چنین اوضاعی، عده ای گفتند که مردم به پای صندوق های رای نخواهند آمد و آنها بی همه کجا بیایند، علیه ما رای خواهند داد. لکن مردم شوروی آمدند و به نفع سوسیالیسم، پرسترویکا و خط حزب برای نوسازی جامعه رای دادند، انتخابات اخیر یک گام جدی در جهت بسط دمکراسی سوسیالیستی بود و یک حرکت همه خلقی ایجاد کرد. در عین آنکه مردم فقط به شکلی ساده به پرسترویکا رای دادند، بلکه بر تحقیق آن، بر تقویت برای پیشبرد آن و بر تحولات سریع تر در همه عرصه های زندگی ما تا کید کردند. با چنین برخوردی، مردم رنجی به ارزیابی کارهای حزبی و دولتی هم برداختند. نکته بسیار مهمی آن است که ریشه پیش رفتن بسیار رای از ما میسر در مرکز است. برای حل این مشکل ما در آینده نزدیک، اختیارات وسیع تری برای خودگردانی به مناطق و جمهوری ها خواهیم داد. اما به نکته دیگری هم باید توجه کرد. مردم خوب می فهمند که برای حل مسائل اساسی به زمان احتیاج است. لکن آنها این راه می بینند که مسائل مشخصی هست که همین امروز می تواند حل شود و احتیاج به سازسی سیستم اقتصاد و سیاسی و سرمایه گذاری ندارد. از آن می که مردم دیگر نمی خواهند ساکت بمانند، عده ای خوشحال نیستند. لکن من گمان می کنم که این موفقیت پرسترویکا است. تمام هم و غم ما این است که توده مردم، خود را به اوضاع صاحب تمام قدرت بدانند و این در حال تحقق است. به ما می آید امروز نباید چشم گذشته نگریست. مردم به پرسترویکا "آری" گفتند و ولی نه به مثابه ایده ای مجرد، بلکه به مثابه روشی دارای نتیجه و مضمون مشخص. آنها به سوسیالیسم مجرد، چهارپایه آن، به سوسیالیسمی که به مثابه توده ها خدمت می کنند، آری گفتند. مردم در انتخابات نشان دادند که در چهره حزب بیگانه نیروی واقعی و امیدوارکننده ای را می بینند که قادر به نوسازی جامعه است.

بزرسی اوضاع کنونی اقتصاد کشور

بزرسی رهبر حزب کمونیست اتحاد شوروی از وضعیت کنونی کشور را می توان به شکل زیر خلاصه کرد: علیرغم همه مشکلات دوره اخیر، سمت دهی اجتماعی میهمی در اقتصاد صورت گرفته است، اگرچه این کار رهنوردن نخستین کام های خوبی است. رونق یافت آهنگ رشد اقتصاد در اساسی ترین شاخص ها میا شده، با سازسی ساختار اقتصاد آغاز شده ولی کارها تمام نیستند. روال مطلوب بین نمی رود. بحث بر سر فرم های اقتصادی، تحکیم موقعیت مالی موسسات صنعتی و کالخورها، تغییر شیوه های اداره امور و اصول نوین نظریه ارتباطات خارجی است. کار با جف تا کید کرد که ما علیرغم همه دشواری ها، با سازسی ریشه ای و عمیق هم اقتصاد را پیش خواهیم برد. این کار باید علیرغم همه فشارهای لحظه کنونی انجام شود و اقتصاد شوروی به مرزهای نوینی برسد. علیرغم آنکه از آنجا که کنونی انجام گرفته، رهبری و مردم را ضعیف نیستند، لکن باید به هیچ ترتیبی تحت تاثیر شرایط دشواری، مهربی و مردم را ضعیف اتخاذ نشده، عقب نشست. این کار جدا خطرناک است. امروز بیش از هر چیزی جرات و بیگبری برای ادا به خط مشی صحیح ضرورت دارد. باید لحظه به لحظه امور را به اطلاع مردم رساند و آنها را در جریان گذاشت. وی اعلام می کند که تهیه بهای سرگشته برای توضیح شرایط اقتصادی به مردم ضروری است.

رهبر حزب اذعان دارد که پیشرفت در بر آوردن نیازهای حیاتی مردم، کم احساس می شود و این باعث نگرانی است. با از ادا خلی نه تنها بهبود نیافت، بلکه در بعضی بخش ها بدتر هم شده است. همین امر باعث شده که مردم گمان کنند میان حرف و عمل فاصله افتاده، آنها نسبت به کمبود، صف، و تلافی وقت زیاد برای تهیه موارد مورد احتیاج چنان عکس العمل نشان می دهند. کار با جف ضمن آنکه به بودجه ای مثل جرنوبیل و کاهش قیمت نفت در بازار جهانی می گوید، مشکلات اقتصادی را نباید تنها به این نکات محول کرد. ما در تحلیل وضعیت مالی کشور تا خیردا شمیم، اوضاع به واقع وخیم تر از آن بود که ما در آن غماز سال می کردیم. یک سلسله تمهیدات کمبودی ها در مورد مسکن، افزایش حقوق کارکنان، حداقل حقوق بازنشستگان، کمک هزینه تحصیلی دانشجویمان و دانش آموزان، افزایش بودجه وزارت بهداشت و آموزش و پرورش، انجام شد که اعتبارات مالی آن تا همین نشده بود.

حل مسئله خواربار را کار با جف در نظر گرفته است. ماسال کمیته مرکزی در مورد مسئله ارضی می دانند و با ارائه نمونه در مناطقی که نتایج مثبت حاصل شده می گوید، در این مناطق میمجهای صورت نگرفت است بلکه برنامهای مشخص با مشارکت مردم تهیه شده و تا به آخر پیش رفته است. وی تاکید می کند که بسیار مهم است که از خط با سازسی قاطع روابط اقتصادی در روستاها عدول نکنیم.

در مورد تأمین کالاهای صنعتی مصرفی، ۲ حرکت انجام شده در ماههای اخیر، اول نوسازی تکنیکی کارخانه های قدیمی و ثانیا استفسارده از صنایع نظامی برای تهیه این کالاهاست. علاوه بر این میخائیل کاربا جف با ارائه موارد متعددی مشخص، وزارتخانه ها و ادارات را به ادا نقیاد می گیرد که سال های سال سرمایه دولتی را از دست داده اند و هنوز پروژه ها را به مرحله تولید نرسانده اند. وی اعلام می کند که تا هنوز هم با شلختگی و ریخت و پاش در اداره امور تهیه ساختار نگه داشته، کار با جف طرح خودگردانی مناطقی و جمهوری ها را نیز از حلی جهت کمبودهای مورد بحث می داند.

موقعیت حزب

از مهم ترین بخش های سخنرانی م. کاربا جف، اوضاع حزب در شرایط کنونی است. او می گوید با این ارزیابی ها که حزب موفقیت خود را از دست می دهد یا به کلیوب بحث تبدیل شده، به هیچ وجه نمی تواند موافق باشد و اعلام می کند: گمان می کنم برخی رفتار دلچهارت های تنه، اعتقاد خود را از دست داده و موضع خویش را رها کرده اند، این درست نیست. واقعیت آن است که اگر چه مردم رشد کرده و مشارکت آنان در امریات و تصمیم گیری افزایش یافته است. اگر در مرحله نخستین، پرسترویکا، با حرکت آزادی، یعنی با ابتکار حزب آغاز شد، اینک در مرحله جدید، حرکتی قدرتمند از پائین یعنی از سوی توده ها شروع شده است. فعال شدن جامعه به لحاظ سیاسی چهره کشور را به کلی دگرگون کرده است. برای کسانی که در ۲۰-۳۰ سال

لکن مسئله تقارب، چیز دیگری است. آیا اساسی توان از دردم آسبزی کارگران با بورژوازی سخن گفت. با بودنیفک، عضو مشاور کمیته مرکزی و دبیر اول استان ولادیمیروف نیز از جمله آثار دگرگونی سال و نیم پس از برکناری ۷۰ سالگی اکتبر بر خورده های منتهی با تاریخ حزب در حال گسترش است و گفت که نشان دادن تنهایی بخش های سیاسی خارج از حتم حقیقت و غیر مفید است و فروتنی کاذب است که ما دستاوردهای حکومت خود را را تبلیغ نمی کنیم. سالوف، عضو مشاور رهبریت سیاسی و دبیر اول استان لنینگراد، ضمن اشاره به این که در انتخابات اخیر از عکا ندیدایی که از رهبران حزبی و شورایی استان بودند، هیچکس رای کافی نیاوردند، گفت در میان بخشی از جوانان این اندیشه صحیح شکل گرفته است که گویا حزب کمونیست اتحاد شوروی، «حزب خطاها و جنایات علیه مردم» است. او گفت: رازی را انشأ نکرده ام اگر بگویم عده ای با کارت حزبی شان اکنون علیه حزب و علیه نقش پیشروان در جامعه فعالیت می کنند و بر آنند تا حزب را به کلیو بحث تبدیل کنند. وی گفت که ما در جهت فعال شدن روشنفکران، جوانان، زنان و ویتران ها تلاش کرده ایم، لکن با لایردن نقش طبقه کارگر در تحولات بنیادینی که در کشور رخ می دهد، اهمیت اساسی دارد. ما میرود دبیررسی اوضاع کنونی اظهار داشت که کمبود کالاهای صنعتی مورد احتیاج مردم و خواربار در حال گسترش است، تورم افزایش یافته، مسئله مسکن حادثه، جنایات و سایر بریده های منفی در حال گسترش است.

پولازفک، عضو کمیته مرکزی و دبیر اول منطقه کرانساندار پیرامون برخی مسائل ایدئولوژیک که شمال با نظریه ایدئولوژی زدا بی دروا بسط بین المللی طرح می شود، اظهار کرد: در چنین شرایطی، ارتباط ایدئولوژی طبقه کارگر و بورژوازی چه می شود؟ سوسیالیسم در مفهوم کنونی آن چگونه خواهد بود و ارزش ما و ایده آل های آن چیست؟ نقش طبقه کارگر در جامعه کنونی ما چیست؟ کدام اصول فلسفی و سیاسی جامعه را نوسازی خواهد کرد؟ آیا ما به (سوسیالیسم) هنوز هم خواهیم توانست به حمایت آن خواهیم داشت؟ سخنران همچنین گفت: مواردی می بینم که کمونیست ها در اولیا در کارت حزبی شان را بی می دهند. در میان آنها افرادی را می بینم که هستند، آنها نگرانی تندرستی و وضعی جدید آموخته اند که منسل جدید، می دلیسل آنها را از اوستا لینیست ها به شمار می آورد.

آ. ملنیفک، عضو کمیته مرکزی و دبیر اول استان کیمروف گفت که برایش مشکل است تا به مثابه مسئول استان معنی که در انتخابات اخیر پارلمان شکست خورده است، در پلنو صحبت کند. بیشتر دگانه اعتقاد او در شرایط کمبود شکر، مایون و مواد پاک کننده و غیره، مشکل است و گفت که این اعتقاد شکل گرفته که چون بهارگان های حزبی تعلق داری، پس به طوراً تو ما تیک بوروکرات هستی. سخنران سوالاتی را که در سال های حزبی منطقه مطرح است، چنین بر سر آمد: آیا وحدت اتحاد شوروی در معرض خطر قرار گرفته است؟ آیا امکان ایجاد سیستم چند حزبی یا وجوداً یوزیسین در حزب فراهم شده است؟ و در مورد اوضاع استان گفت که اوضاع اجتماعی رو به وخامت می رود، وضع زندگی مردم بدتر شده است. نه کالاهای مصرفی هستند، نه مواد حرارتی و نه محصولات دیگر.

و. ملیتوف، دبیر اول استان کومی اظهار داشت: زندگی واقعی ما به امتناع توده های از کار کردن، اعتصاب غذا، مینیک های غیر معیاز، راهبیمای وحشی و اعتصاب، تبدیل شده است و نتیجه گرفت که مردم به قدری خوبی اعتماد می ندارند. وی با اشاره به نتایج انتخابات اخیر گفت که طبقه کارگر در حال حذف شدن از محفل فعالیت سیاسی است و این مسئله بسیار نگران کننده است. زیرا ما کارگران را از دست می دهیم. باید اعتقاد سخنران در شرایط تسلط مینیک های دمکراتیک، نما بینندگان روشنفکران به کارگران ترجیح داده می شدند، زیرا که دقیق تری توانستند مواضع خود را بیان کنند. وی از رسانه های گروهی نیز به شدت انتقاد کرد که گاه حتی به تجدیدنظر در میراث ما کاسیم لنینیسم هم پرداخته اند.

وزیران، دبیر اول حزب کمونیست آذربایجان در سخنرانی خود گفت: اگر بخوام اصل «هر که ما نیست، دشمن ما است» را به کار بگیرم، همانست وسیع به دست خود خواهیم آورد. باید درست به یادمانی غیر از این عمل کرد. باید با کسانی که حقیقتاً طرفدار پرسترویکا با هر اندیشه ای هستند، همکاری همه جانبه کرد. باید آموخت که توده ها در کار مشترک چگونه متحد کرد. هیچ کساری جای گفتگوی مردم را نمی گیرد. سخنران در ادا به گفت: در روزهای اخیر ما در جمهوری ما، گفتگوی با تک تک کمونیست ها ترتیب دادیم. این کار را بطه ما را با توده های تحکیم می کند و برخوردی روی اعضای حزب با قسمی می گذارد، آنها می گفتند این اولین گام است که ما را به کمیته حزبی دعوت می کنند، این چنین باز ما به گفتگوی نشینند و روی نظرات ما حساب می کنند.

کالینتفک، عضو کمیته مرکزی و دبیر اول استان ولگا گراد در بلنوم اعلام کرد: هر جا که تا من خواربار بهتر شده، مسئله مسکن بهبود یافته، همانجا هم کمونیست ها در انتخابات موفقیت داشته اند.

در مورد کمیته دبیری از جواد نلسون می پرسد: در این شرایط وزرا و دولت کجا هستند؟ چرا هیچیک از آنها در برابر مردم در اادیو و تلویزیون حرفی نزنند؟ چرا در مقابل این تنگنا ها مسئولیت به دوش نگرفتند؟ وی در مورد نتایج انتخابات با پارلمان می گوید: ضروری است که تلاش کسانی که امروز سخنرانی کردند و شکست شان در انتخابات را تنها به اشتباهات مرکز، ضایعات دمکراسی و سوء نیت رسانه های گروهی نسبت دادند، رد کنیم. برای جلسه اعتماد مردم، باید تحول واقعی و بهبود در زندگی اقتصادی، اجتماعیتی و معنوی شان پیدا آورد.

در سخنرانی های بلنوم آوریل هم چنین گفته شد: تحقق خودگردانی اقتصادی با مقیاس و مدت جدی ادارات و پروپارت است. آنها بدون جنک، از صندلی منافع خویش دست نمی کشند. سیستم اداری - فرماندهی همچنان مسئله عملیات تخریبی خود ادا می دهد. عدم پیشرفت بسیاری از فرم های اقتصادی در نتیجه همین دلیل است. وزارتخانه ها و ادارات درست مثل گذشته کار می کنند، سیستم برنامهریزی، تا مین مواد و تکنولوژی، ماسیسل مالی و اعتبارات توسط آنها، دست نخورده باقی مانده است.



گفتگوهای بلنوم میخائیل کاربا جف، دبیرکل حزب به بیان برد او در سخنرانی با بیانی خود، ضمن اشاره به عده ترین نکات مطروحه در سخنرانیها و پاسخگویی به انتقادات، به تحلیل ازاوضاع کشور در مرحله کنونی پرداخت و وظایف مشخص حزب برای ادا به روند نوسازی را بر شمرد.

مجارستان:

نتایج پلنوم آوریل حزب

اجلاس کمیته مرکزی حزب کارگروسیا لیست مجارستان در روز ۱۲ آوریل ۱۹۸۹ تشکیل گردید. در این اجلاس دبیرکل و هیات سیاسی حزب که یک سال پیش انتخاب شده بودند، استعفا دادند. ایستادن اقدامی بی سابقه در حیات حزب کارگروسیا لیست مجارستان بود.

از اواسط فوریه کمیته مرکزی حزب، کمیسیون ویژه‌ای برای بررسی کارگردانگری و هیئت سیاسی تشکیل داد. این کمیسیون نظرات اعضای کمیته مرکزی و کمیته‌های منطقه‌ای حزب را جمع‌آوری نمود. آن‌ها همیشه سیاسی بنا نبوده بدین‌تنه‌ها تکیه کرده و دبیرکل حزب استعفا داد تا امکان ارزیابی آزادانه توسط کمیته مرکزی فراهم گردد.

اجلاس کمیته مرکزی حزب، هیات سیاسی جدید را که از ۹ نفر تشکیل می‌شود، برگزید. برخی از اعضای دستگاه رهبری از جمله یانوش سروس و یانوش لوکاج که هر دو از اعضای هیات دبیران حزب بودند، همچنین جودیت ساک، وزیر بهداشت و امور اجتماعی و ایستوان زابو، رئیس شورای ملی و تعدادی از اعضای کمیسیون، در رأی گیری مخفی رأی کافی نیاوردند و مجدداً انتخاب نشدند.

کارولی گروز که به‌ریدگری عنوان دبیر کل حزب انتخاب شده است، بعداً از این اجلاس اظهار داشت که: "من چیزی درباره جناح "املاک طلب" و جناح "محافظة کار" نمی‌دانم. من کارگردانگری را هرگز نمی‌بینم. به نظر من مسئله اصلی این است که اکثریت عظیم اعضای حزب، خود را وقف اصلاحات کرده‌اند". لازم به یادآوری است که در مطبوعات و برخی محافل سیاسی مجارستان اظهار نظرهایی در باره وجود جناح‌های "املاک طلب" و "محافظة کار" در دستگاه رهبری حزب صورت گرفته است.

اکنون روند نوسازی در مجارستان که دوسال پیش به‌انگیز کارگروسیا لیست مجارستان آغاز شد مورد حمایت مردم است، همچنان بی‌سستی می‌رود. تلاش‌های مداوم برای ساختن دولت حقوقی به عمل می‌آید. پلورا لیسم سیاسی، قانون آزادی اجتماعات و نظرات، قانون اعتماد، قانون مسئولیت سیاسی و اطلاعات و وضع کشور را دگرگون ساختند. اما اکنون ۵۰ سال زمان اجتماع جدید تشکیل شده است و وضع شکل سیاسی آماج خود را برای ثبت نام به عنوان حزب اعلام شده و بیش از ۹۰ روزنامه و مجله آزادانه منتشر می‌شود.

قانون اساسی جدید و اصلاحات قانون رفتارندم در سراسر کشور به بحث گذاشته شده است. در حزب کارگروسیا لیست مجارستان، اقلیت اجازیه‌اش است نظرات خود را منتشر نماید. همچنین بررسی نقادانه‌های که حزب از سال ۱۹۴۵ تاکنون طی کرده است، در دست‌انگیز قرار گرفته است.

با این همه مشکلات هنوز کم نیست. قیمت کالاها افزایش می‌یابد، پس از تکمیل کارخانه‌های زیان آور، ۱۵ هزار نفر از کارگران در جستجوی کار هستند. میزان دیون خارجی زیاد است و مردم با رأی روری شانه‌های خود را نمی‌کنند. نیروهای افراطی و ناسیونالیست بیست‌مادگی و حزب را مورد حمله قرار می‌دهند. طی سال گذشته تعداد اعضای حزب از ۸۴۰۰۰۰ نفر به ۷۸۰۰۰۰ نفر کاهش یافت. در میان کسانی که صفوف حزب را

ترک گفته‌اند، عده زیادی کارگروسیا را در رهبران حزب کارگروسیا لیست مجارستان اعلام کرده‌اند، راه‌آغا زنده را پیگیرانه ادامه خواهند داد.

گرچستان تحقیقات ادامه دارد

کمیسیونی با نظارت شورای عالی جمهوری گرچستان برای بررسی پیرامون دلایل تراژدی نهم آوریل که منجر به کشتار روزخمی شدن دهها تن شده، تشکیل گردید. جندروزیس از تشکیل کمیسیون، وزیر بهداشت و امور محرومین حادثه علامتی از مسوولیت اعلام کرده در جریان پراکندن نظرات، گساز سبی به‌کار رفته که برآعصاب تا شیری می‌گذارد، سه اعتقاد او و محرومین حادثه علامتی از مسوولیت دارند که پیش از آنرا کارگان از آواست. وی در روزهای بعداً اعلام کرده هنوز هم عده‌ای در اثر تراژدی استن کا ز به‌بیمارستان‌های تفلیس منتقل می‌شوند.

کمیسیون تحقیق هر هفته جلسه برگزار می‌کند و گزارش افراد ارگان‌های مختلف را بررسی می‌کند. از جمله یکی از این بررسی‌ها نشان داد که تا پیش منشی آنکه عده‌ای از کمشنران در روزها گذشته در بخش مردگان مجهول الهویه بسیار رستان بوده‌اند، بی‌اساس است. لکن جستجو برای یافتن تعدادی افراد که در روزهای پس از ۹ آوریل کم‌شده‌اند، ادامه دارد. در جلسه ۴ ماهه این کمیسیون که با حضور جلال احتماعی گرچستان و نمایندگان پارلمان شوروی آنکا دمیسین آن‌ده‌ها را روف و دی‌میتسری لیخا جف برگزار شد، شما بنده‌ها دست‌انگیزی گزارشی به‌جلسه ارائه داد که براساس آن در ۹ آوریل کا ز "سی-اس" به‌کار رفته که در برخی کشورهای برای پراکندن نظرات استفاده می‌شود. وی گفت که: "تحقیقات تازه آغاز شده و اعلام نتایج نهایی زودرس است. مسئله‌گزارشی تنها یکی از مسایلی است که با درون‌روشن شود، با دیدن مسئله را دقیق کرده‌اند علاوه بر کار "سی-اس"، چیز دیگری به‌کار رفته است."

نمایندگان پارلمان شوروی از کمیسیون گرچستان اعلام کرده‌اند که این مسئله را در نخستین کنفرانس نمایندگان شوروی عالی اتحاد شوروی مطرح خواهند کرد. در تلویزیون مرکزی شوروی زلفلی از جاده ۹ آوریل نشان داده شده که در بحث پیرامون آن یکی از نمایندگان پارلمان گفت که جنازه برخی از کشته‌شدگان در چند کیلومتر دورتر از محل حادثه یافت شده و نشان می‌دهد که آنان زبردست و با شما ندانند. در فیلم همچنان یک کودک مرجوحی نشان داده شده که آثار کولوهر در بدن خویش داشت.

مردم همچنان در انتظار روشن شدن ماهیت قضا یا در ۹ آوریل هستند. کمیته مرکزی حزب کمیونست گرچستان، پلانیوم ویژه‌ای برای مسایل کمیونی جمهوری تدارک می‌بیند و زنده زحمات کمشنان تقاضا کرده که در تشکیل آن فعلا به‌دخالت کنند. قطع نظر از آنکه محرک اعتراضات مردم گرچستان چه چیز بوده است، گسیل ارتش برای مقابله با نظرات اعتراضی مردم، عملی غیر اخلاقی و غیر انسانی است. به‌ویژه آن‌چه عمسسل رهبران اسبق حزب در گرچستان را زشت‌تر می‌کند، این است که این تراژدی در کشور صورت گرفته است که رهبری آن مجدان می‌گوشد معضلات چنانی را از طریق مذاکره حل کنند و در این راه نیز موفقیت‌های جدی به‌دست آورده است.

مرگ قاتر بار احسان طبری

در زندان جمهوری اسلامی

سوانحام پس از ۶ سال اسارت در جنگال خون ریز تارتاریک اندیشیان جمهوری اسلامی، احسان طبری از رهبران حزب توده ایران و اندیشمند نامدار میهنمان در ۲۲ سالگی در زندان‌های جمهوری اسلامی درگذشت.

آثاری که از طبری تا قبل از اسارت در جنگ درخیمان رژیم در عرصه‌های مختلف علوم اجتماعی، فلسفه، تاریخ، اخلاق، زیبایی‌شناسی و ادبیات به‌جا مانده، از میراث‌های ارزشمند به‌شمار می‌آید.

طبری از فعالین هسته‌ای ولیعهد جنبش کمونیستی ایران در دوره‌ها نا‌م‌بود. فعالیت انقلابی را با گروه ارانی آغاز کرد. از جمله ۵۳ نفر بود که در ۱۳۲۵ در زندان رضاخان بود. در بنیان‌گذاری حزب توده ایران شرکت داشت و همواره در کار رهبری حزب جای داشت.

به‌دنبال یورش سراسری سران جمهوری اسلامی به حزب توده ایران، احسان طبری هم‌دربهار ۶۲ دستگیر و روانه‌سایه‌جاال‌های رژیم بود. سید کنج‌کران جانورخوی این مرد سال‌خورده را چنان روحا و جسما آرزیدند و فرسودند که مجبور به نگار تمامی اعتراف کرد خویش کرده‌وار می‌تواند که عمیری بر سرش مجاهدت کرده بود و تیری جویید و از اندیشه‌های پوسیده مرتجعان حاکم تمحید نماید.

دو‌خین سال‌های قرن بیستم، مرگ تراژیک ورده‌وار این اندیشمند برجسته در سایه‌های رژیم قرون وسطایی جمهوری اسلامی، قلب هر انسان با فرهنگی را می‌فشرود و چهره پالید و فرسوده بشری رژیم کمونیستی را بیش از پیش به‌جا نیسمان نشان می‌دهد.

جنبش بین‌المللی... بقیه از صفحه ۹
حال رشدیافته، با تلاش برای ایجاد مناسبات عادلانه تجاری و روابط اقتصادی بین‌المللی متغی بنا شده است. نه تنها به بهبود سطح زندگی مردم کشورهای در حال رشد کمک می‌شود، بلکه همچنین راه‌های تازه‌ای برای گشایش در وضعیت اقتصادی کشورهای صنعتی پدید می‌آید.

تجدید بین‌المللی... با تلاش برای ایجاد مناسبات عادلانه تجاری و روابط اقتصادی بین‌المللی متغی بنا شده است. نه تنها به بهبود سطح زندگی مردم کشورهای در حال رشد کمک می‌شود، بلکه همچنین راه‌های تازه‌ای برای گشایش در وضعیت اقتصادی کشورهای صنعتی پدید می‌آید.

تجدید بین‌المللی... با تلاش برای ایجاد مناسبات عادلانه تجاری و روابط اقتصادی بین‌المللی متغی بنا شده است. نه تنها به بهبود سطح زندگی مردم کشورهای در حال رشد کمک می‌شود، بلکه همچنین راه‌های تازه‌ای برای گشایش در وضعیت اقتصادی کشورهای صنعتی پدید می‌آید.

نیروی اقتناع و قانون ما باید به دفاع برخیزیم. باید با حاد کردن استفاده از ابزارهای حقوقی، دیگراسی را گسترش دهیم. هرچه آزادی شهروندان جامعه‌ای بیشتر باشد، نظارت قانون و نظم هم‌باید در آن بیشتر باشد. نباید به نام پرستیرویکا و دمکراسی به هر چه و مرج میدان داد و گذاشت تا آزادی بخشی از جامعه توسط بخش دیگری با یمال کردن قانون، نادیده گرفته شود. بالاتر از این نباید اجازه داد تا روند دمکراتیزاسیون جامعه، علیه نظام سوسیالیستی به‌کار گرفته شود.

پیرامون افزایش زدی، رشوه‌خواری و جنایات در دوره اخیر که با عسالت نگرانی مردم شده، رهبران اتحاد شوروی گفت: ممکن است کسانی در جاپارایسن توم شده‌باشند که دمکراسی برای جنایتکاران نیز هست. اما درست برعکس در شرایط دمکراسی واقعی باید وضع عناصر جنایتکار را بدتر و وضع مردم بهتر باشد. سخنان هم‌افراد ما، کلکتیوهای کاروان‌های حزبی را به حمایت مادی و معنوی از ارگان‌های حفظ نظام اجتماعی فراخواند.

پلنوم آوریل ۸۹ کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی بار دیگر نشان داد که علیرغم تمامی دشواری‌ها و معضلات، حزب از زیر پرستیرویکا، نوسازی انقلابی همه‌شئون حیات جامعه و گسترش و تعمیق دمکراسی و علم‌نیست با زحمتی ایستد. تصمیم‌ها و نتایج علمی و بی‌کم‌وکاست تمام سخنانی‌های پلنوم اخیر و تهیه‌نامه‌ای خطاب به زحماتکنان پیرامون مسائل مرحله‌دشواری‌کنونی و در میان گذاشتن مشکلات با مردم، نشان‌گر آن است که حزب همچنان در راستای علم‌نیست و مشارکت دادن توده‌ها در زندگی جامعه به‌پیش می‌رود.

حزب کمونیست‌های شوروی در کشور و جهان، با آغاز پرستیرویکسما، انوریته‌عظیمی کسب کرد و امروز نیز با تداوم پیگیری‌ها این خط مشی، اعتبار و خویش را فزونی خواهد کرد.

گذشته تجربه‌کار حزبی داشته‌اند، این اوضاع، بیدک معنا غیر عادی است. لذا باید کار به‌شبهه جدید شرایط دمکراتیک را موخت. انتخابات نشان داد که همه‌زمان‌های حزبی برای چنین تغییراتی آماده نیستند. شرایط در نظر اول متناقض به نظر می‌رسد. از یک سو حزب خود می‌تواند دمکراتیزه کردن جامعه بوده، از سوی دیگر مردم به حرکت درآمده‌اند و نیروهای جدیدی وارد میدان شده‌اند ولی هنوز هم برخورد با متده‌های کهنه از سوی برخی ارگان‌های حزبی وجود دارد.

کار با جف معتقد است که: کار ما نباید در مرکز کردن ایستاده‌شده‌ها باشد، بلکه باید به‌تحرک سیاسی و اجتماعی مردم راهبری کنیم. آن‌ها هی سیاسی برای تحکیم سوسیالیسم و نوسازی را به‌میان آن‌ها ببریم. اوضاع را به‌لشگری تشبیه می‌کنند که در حال حمله است ولی فرماندهان نش در جانی زنده. وی اضافه می‌کند: حزب باید کار در شرایط دمکراتیک را به‌میان آورد. از هرگونه زنگنه به متده‌های کهنه‌یاد پدیر می‌زگرد. گفتگوی مردم ضعف مان نیست، تبدیل حزب به کلوب بحث نیست. اگر گفتگوی اقشار مختلف مردم ضعف باشد، من نمی‌دانم پس دیگر قدرت نیست. باید مردم را برای تحقق پرستیرویکا بسیج کرد. باید از قالب‌های گذشته "آغاز می‌دهم، اجازه نمی‌دهم، می‌کنم" گذاریم. بیرون آمدن او تجارب انتخابات اخیر شوروی و آوریل گرچستان را شادگفتار خود می‌آورد می‌گوید: بهترین نتیجه‌ها حفظ حزب از حمله مخالفین آشکارا روپنیا نش. چه محافظه‌کاران و چه چپ‌روها - درست همین است. انتقاد مردم به‌کار درهای ما نیز در همین نکته خلاصه می‌شود.

دولت متکی به قانون

در برخورد با سوءاستفاده‌هایی که از سوی برخی عناصر غیرمسئول از دمکراسی برای ایجاد درج و مرج در جامعه می‌شود، کار با جف می‌گوید: درست مثل هر انقلاب دیگری، پرستیرویکا محتاج به دفاع از خویش است. بسا

جنبش بین‌المللی سندیکایی در آستانه قرن ۲۱

جستجوی راههای نوین در جهان متحول امروز

تا تشریحات شگرف جهان امروز به ویژه انقلاب علمی و فنی بر ترکیب و ساخت طبقه کارگر مسلط و وظایف کلاسیک آن در برابر جنبش بین‌المللی سندیکایی قرار گرفته، در سلولر، سه میا حنا و رهجویان آتفا دهی کارگری کشورهای مختلف قطع نظرا از نظام‌های اجتماعی آن قسرا در آرد. آنگاه از کم‌وکیف این مباحث و به ویژه شرکت فعال در روند نابود آموخته‌ها این مباحثات برای پیشروان و فعالین جنبش سندیکایی کشور ما نیازی است مبرم. مطلب حاضر، ترجمه و تلخیصی است از مقاله‌ای در این باب، به‌عنوان "گسوی آن دادونگ" مسئول شعبه روابط بین‌المللی کنفدراسیون سراسری اتحادیه‌های کارگری چین به نقل از نشریه قدراسیون جهان اتحادیه‌های کارگری:

دگرگونی‌های ژرفی که اینک جنبش بین‌المللی سندیکایی از سر می‌گذراند و نیسز راههای نوینی که این جنبش جستجو می‌کند، برای آینده آن جایز اهمیت حیاتی است.

تنوع منافع طبقه‌های درون این جنبش امری تصادفی نیست. در همین رابطه است که آنچه را که "بحران سندیکایی کارگری" نامیده می‌شود، توضیح داد. در اوایل دهه ۷۰، وقتی که جهان در سربلندی در دوران اقتصاد سختی فرو رفته بود، نظریه "بحران جنبش سندیکایی در رسانه‌های گروهی غرب مطرح شد. رویدادهای ۱۹۸۰، نیز توسط این رسانه‌ها به مثابه "بحران جنبش سندیکایی" در کشورهای سوسیالیستی عنوان شد و پیشداوری‌های بی‌سبب، "زوال نفوذ اتحادیه‌های کارگری"، "اجتناب ناپذیر بودن فروپاشی سندیکایی" و نظایر آن توسط برخی دانشمندان مطرح گردید.

آیا این ارزیابی‌ها در مورد جنبش بین‌المللی سندیکایی امروزه باقی است؟ برای پاسخگویی به این سؤال از نیروی استانی نگفته می‌پردازیم. شواهد سندیکایی ما امروزه مسائل جدیدی، در شرایط جدید، در پی این کارها تازه روپوش کرده است.

در اواخر دهه ۲۰ سال رشد و ترقی که در سال‌های پس از جنگ دوم جهانی منبسط کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری شد، این ممالک دستخوش رکود و بحران شدیدی شدند و اقتصاد جهانی نیز در وضعیت دشواری قرار گرفت. در همین اثنا، انقلاب علمی و فنی و کاربرد گسترده تکنولوژی میکروالکترونیک ارتباطات و مینیاتوری‌ها را در اختیار مهندسان مهندسی و تکنیک و دستیاران به‌انگیزه‌های جدید منابع مواد انرژی، تغییرات اقتصادی ژرفی بدینسان آورد و فرم‌های درجات مختلف در تعدادی از کشورهای صورت گرفت.

مسائل جدید جنبش سندیکایی

اتحادیه‌های کارگری در کشورهای سرمایه‌داری صنعتی با سه معضل بزرگ مواجه هستند:

۱- بیکساری وسیع در اثر رشد اقتصادی ناآرامی و بازسازی منابع سنتی کار، بیکاری، بیکاری به‌دلیلی زمین بدل شده هیچ نشانه‌ای مبنی بر بهبود این وضعیت به چشم نمی‌خورد.

در سال ۱۹۸۷ درصد بیکاری در بسیاری از کشورهای حدود ۱۰٪ و در کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی ۱۱٪ بود. کثرت شمار بیکاران، مشکلات اجتماعی حاد را پدید آورد و مساله بیکاری به معضل شماره یک کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری بدل شده است.

۲- کاهش شمار اعضای اتحادیه تولیدات نیونانی از تکنولوژی جدید و بازسازی صنعتی، موجب افزایش چشمگیر شمار کارگران در صنایع خدماتی و مشاغل پهنه سفید است. فراهم کردن عرصه‌های کدر آن، با یکسره اتحادیه‌های کارگری ضعیف بوده است. به علاوه صرفه‌جویی بی‌سابقه‌ای از بازسازی تکنولوژیک صنایع سنتی، موجب کاهش سریع تعداد اعضای اتحادیه‌ها شد. در سال ۸۶ در انگلستان از ۴۶ درصد آغاز دهه ۸۰ تا سال ۳۵ درصد، دوفراشه از ۲۳/۴ درصد نیروی کار به ۲۳٪ و در آمریکا از ۲۳٪ به ۱۸٪ تنزل یافته است.

۳- تعرض کارفرمایان برای بازسازی دستاورد های سندیکایی: کارفرمایان با تعرض به اتحادیه‌های کلاسیک لحاظ پایگاه توده‌ای ضعیف تری بوده‌اند و به دستاورد های برخی امتیازات منفی آنها، به دولت آنها فشار آورده‌اند تا قوانین کار را در جهت "بسی

بیشتر حقوق کار را تغییر دهند. آنها با استفاده از حربه بیکاری، در جریان چانه‌زنی‌های مربوط به سه انعقاد قراردادها، دست‌جمعی و بیجان‌های مربوط به امتیازات اساسی، تعرض به سه اتحادیه‌ها، یکی از عرصه‌های اصلی مورد تکیه کارفرمایان در ایجاد تضییقات جدید در رابطه با اعتبارات کارگری و تامین امکانات بیشتر برای مدافعان مونسندیکایی و تلاش جهت خنثی کردن تاثیرات آنها کارگری است.

چگونه با پدید آمدن معضلات درآمیخت

بخشی از جنبش سندیکایی بین‌المللی، خود را در مواجهه با این معضلات، ضعیف احساس می‌کنند، اما بخشی اعظم جنبش بر این باور است که فروتنی شدن مشکلات، نقش اتحادیه‌ها را نه‌کمتر، بلکه بیشتر می‌کند. کشف راه‌های نوین و استقبال از تغییرات ضروری، اینک در مرکز توجه کنفرانس‌ها و کنگره‌های سندیکایی قرار گرفته است.

گرچه این بی‌جوبی‌ها و تغییرات هسوز در مرحله آغازین خود قرار دارد و از این کشور به آن کشور نیز متفاوت است، اما می‌توان دید که هم‌سره اتحادیه‌ها وظایف عمومی زیر را در برابر بر خرسود دارند:

۱- دفاع از حقوق تمامی کارگران

تاکنون اتحادیه‌های کارگری، اعضای خود را عمدتاً در صنایع "سنتی" می‌توانند درآمیختگی امر با سازمانی صنعتی با تولید تکنولوژی نوین به طور قابل ملاحظه‌ای ساخت و ترکیب نیروی کار را تغییر داده است. یکی از روش‌های اصلی تغییرات وی جوبی‌ها می‌تواند اتحادیه‌ها در صورت تطبیق شان با شرایط جدید عبارت است از راه‌های بی‌نیاز می‌تواند اتحادیه‌های کارگری، تغییر در ساخت و ترکیب نیروی کار در کشورهای سرمایه‌داری صنعتی بسیار آشکار رسیده است:

کارگران در بخش خدمات، اکنون بین ۵ تا ۶۰ درصد جمعیت فعال را تشکیل می‌دهند، در حالی که در کشورهای صنعتی‌ها اول و دوم به ۱۰ درصد و ۳۰٪ کاهش یافته است. در برخی کشورهای کارگران ادارات اکنون ۵۰٪ ترکیب جمعیت فعال را تشکیل می‌دهند، در حالی که شمار کارگران بدی شدیداً تنزل کرده است. موقعیت کارگران از نظر توزیع آنها در موسسات مختلف از این قرار است که تقریباً ۳۰ درصد در واحدهای تولیدی و متوسطی هستند که طی دهه اخیر رشد کرده‌اند. همچنین شمار زنان در مجموع نیروی کار افزایش یافته است به طوری که نسبت آنان در ترکیب جمعیت فعال (ناغل) به ۴۰ درصد رسیده است.

در اثر شیوای ثابت شدن اشتغال، مشاغل باره وقت کدر آن زمان را فقط محدود به ساعات معدودی از روزها می‌توانند، افزایش زیاد ی پیدا کرده است. در برخی کشورها این بخش ۲۰٪ کارگران را شامل می‌شود.

بنابراین می‌توان دید که ترکیب طبقه کارگر دستخوش تغییرات بزرگی شده، به نحوی که اتحادیه‌ها غالباً نتوانسته‌اند با انعطاف و سرعت کافی از خود واکنش نشان دهند. و این یکی از دلایل عمده کاهش تعداد اعضای اتحادیه‌ها در بسیاری از کشورهای است.

این حقیقت که اتحادیه‌ها طی مدت‌های مدید توجه خود را تنها روی کارگران صنعتی متمرکز کرده‌اند، موجب شده که از زماندهی کارگران شاخه‌های جدید به ویژه کارگران بخش خدمات با زماندهی در واقع بسیاری از کارگران غیربیدی (کس) اغلب مثل کارگران صنعتی استثمار می‌شوند، بخش مهمی از اتحادیه‌های کارگری را شامل می‌شوند. روحیه رزمندگی و سنت‌های مبارزاتی در آنها سال به سال رفته رفته می‌کند. در سال‌های اخیر، بسیاری از اعضای اتحادیه‌ها در کارگران یقه سفید بخش‌های خدمات با زمان داده‌اند.

این امر، بسیاری از اتحادیه‌های کارگری را وادار به واقع بیینی می‌کند، اگر آنها نخواهند منافع کلیت نیروی کار را نمایندگی کنند، می‌بایست آمادگی پذیرش مطالبات همه بخش‌های آن را داشته باشند. از کارگران یقه سفید تا کارگران بدی، تکنسین‌های موسسات کوچک و کارگران بخش دولتی و خصوصی.

۲- انطباق با شرایط نوین

وظیفه اساسی اتحادیه‌های کارگری عبارت است از: دفاع از حقوق و منافع کارگران، قطع نظرا از نظام اجتماعی که در جابجایی آنها فعالیت می‌کنند. به بیینی است که اتحادیه‌ها، کارگری در دفاع موثر از حقوق و منافع کارگران وی جوبی برای کشف راه‌های نوین و انجام تغییرات ضروری

با بدبیراسی و اقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی کشورهای خودشان مبارزه کنند و تفتادهای ناشی از سنت‌های تاریخی و سطح پیشرفت کشور خود را نیز در نظر بگیرند.

در سال‌های نخست دهه ۲۰، در شرایط رشد اقتصاد جهانی از جنگ، پیروزی کارگسبران در دستیارایی به حقوق و منافع شان، در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری، نسبتاً آسان تریود. اما امروز، در شرایط بحران مزمن اقتصاد، معضلات عملی بسیاری در این راه وجود دارد.

مطالبات کارگران در گذشته عمدتاً حصول افزایش دستمزد بود. اما به مجرد آن که بیکاری به مثابه مری تشبیه شده پدید آمد، تاکیست روی امنیت شغلی عمده‌ترین مطالبه صنعتی کارگران گردید. اتحادیه‌های کارگری، هم‌اکنون در بسیاری از کشورهای تقاضایان را برای کاهش ساعات کار و استراحت بیشتر به منظور تامین مشاغل بیشتر مطرح می‌کنند. در کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری اروپا (ETUC) بسیاری از اتحادیه‌های کارگری اروپای غربی، دستیارایی به ۳۵ ساعت کار در هفته را هدف عمده مبارزات جاری خود قرار داده‌اند.

برای رویا رویی با آنچه که به همه بخش‌های طبقه کارگر مربوط است، بسیاری از اتحادیه‌ها در مطالبات اقتصادی و اجتماعی خود، کاهش مالیات، حق بیمه بیکاری با شرایط مناسب، حقوق بازنشستگی بیشتر، رعایت موازین محیط زیست و غیره را نیز گنجانده‌اند.

مشارکت در آموخته‌های تولید

مشارکت کارگران در مدیریت موسسات و برناباهریزی اقتصاد ملی سیاست اجتماعی، اکنون به مطالبه‌ای جهانی بدل شده است. امروز که تولیدات نیونانی تکنولوژی مدرن، مسئله مزمن برخورداری از کارگران از سطح آگاهی فنی بالا، روح ابتکار و احساس مسئولیت فرا یافته‌ای است، تا مین مشارکت کارگران با توجه به این واقعیت که کارگران صاحبان جمعی موسسات دولتی‌اند، تا مینتر است. در کشورهای سرمایه‌داری به دلیل خصوصی بودن مالکیت ابزار تولید، سرمایه‌دار "مجاز" در مشارکت کارگران را تنها به مشارکت آنها در تامین حرجه موثرتر حقوق و منافع کارگران در موسسات تولیدی و خدماتی، تاگیدارند. امروز ما به مشارکت کارگران، از چارچوب مدیریت موسسات فرا گرفته تا تنظیم سیاست اقتصادی و اجتماعی در سطح ملی نیز بسط یافته است.

در کشورهای سوسیالیستی، هدف اساسی اصلاحات ساختار اقتصادی، ارتقا قابلیت موسسات و تقویت قوه ابتکار و خلاقیت کارگران به نحوی اکمل است. فرم ساختار سیاسی بر اهمیت تعمیق دگرگونی سوسیالیستی - کارگری در مشارکت کارگران به مثابه مری بدییبی تبارز می‌یابد، تاگیدارند.

اتحادیه‌های کارگری کشورهای سوسیالیستی همچنین درمی‌یابند که مشارکت فرا یافته کارگران در مدیریت اقتصاد و سیاست، طریق است که در کارگران این احساس را که آنها صاحبان واقعی موسسات هستند می‌توانند تشریح گذار مستقیم تحولات کشورها شد، به وجود می‌آورد.

در کشورهای در حال رشد، بسیاری از اتحادیه‌های کارگری به این نتیجه رسیده‌اند که رسیدن اقتصاد بی‌دون مشارکت کامل کارگران تا بسط حصول نیست. به هرحال مشارکت فعال کارگران در تنظیم سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی دولت، امکان این امر را که منافع کارگران به حساب آید و دستاوردهای مبارزات گذشته حفظ شود، تا مین خواهد کرد.

همکاری بین‌المللی اتحادیه‌ها

در وضعیت اقتصادی و خاتم با رکونوسی، در بسیاری از کشورهای گرایش نوین مبنی بر اینکه اتحادیه‌های مختلف با گرایشات سیاسی متضاد با بدبیر محور مطالبات اقتصادی و اجتماعی کارگران وارد گفتگو و اشتراک عمل شوند، در حال شکل گیری است. هر روز اتحادیه‌های بیشتر و بیشتری به این واقعیت آگاهی می‌یابند که جهان یک هستی واحد است و اقتصادهای کشورهای مختلف به نحو تنگاتنگی در رابطه با یکدیگر و به طور فزاینده‌ای به هم وابسته است.

عرصه‌های همکاری بین‌المللی

اتحادیه‌های دورا اندیش کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته اینک درمی‌یابند که رشد اقتصادی کشورهای پیشرفته نمی‌توانند جدا از کشورهای باقیه در صفحه ۸

یادی از رفیق شهید، فدایی قهرمان
محمد رضا گلپایگانی

از به یاد آوری صحنه‌هایی از فداکاری مردم در انقلاب به خورمی آمدناکت در چشمش خلق می زد.

در خانه‌ای کوچک در خیابان ناطق‌زندقسی می کرد. یک شب به فراغت در کتابخانه نشستند و او از هردوی سخن می رانندیم. سخن به رفیق حمید شرف کشید. رضا گفت می خواهم شب خاطره‌ای را که بر ما بسیار عزیز است برایت بگویم. آرام برخاست به سراغ صندوق فلزی کهنه‌ای که در گوشه‌ای بود رفت و از داخل آن یک پیراهن مردانه همراه با دوسواک بیرون آورد. گفت: "سال ۵۴ بود، تازه عروسی کرده بودیم، در خیابان گرگان خانه داشتیم، یک روز صبح صدای شلیک کلوله بلند شد. تمام کسب ما در محاصره بودیم. در صبح خانه‌ها زبون زدیم. رکبازا متن قرار داشت. درگیری تا ظهر طول کشید. در آن زد و خورد چند تن از رفقای سازمان شهید شدند و سپس شهیدم که رفیقمی بود. نشت طلعه‌ها صحرای تکتند و فرار کنید، می گفتند رفیق حمید شرف بوده. تمام آن روز و روز بعد منک بودم، قلبم به شدت فشرد. می شد. بوگینیه امین در درونم می فشرد. فکر کردم ممکن است هنوز مدارکی در این خانه باشد که نباید دست ساواک بیفتد. شب از دیوار خانه خودمان به داخل آن خانه نبردم. دیوای همه را رانکتم. موقع بیرون آمدن ای پیراهن را همراهی این دوسواک که روی یکی از آنها نام حمید نوشته شده، به عنوان عزیزترین یادگار با خودم آوردم. حال ما لایق است که آنها را نگاه داشته‌ایم. اینها بسیار گرانمایه‌ترین اشیا این خانه‌اند".

رضا در یکی از اجزای محلات مسئولیت بخش را داشت. با ما شین کهنه‌خود که به خوبی آن را ما شین شهیدی مدلی می گفت، همراه دختر کوچکش در شهر می گشت و با پول خود غذای روحی به مردم می رساند. به تنهایی به ایدانه چند نفر کارهایش را انجام می داد. سجده به خوبی می گفتند. آثار رضا تا حال چندین بیرون از این ما شین کار و علامه توزیع کرده است. این ما شین را با بدردموزه

سال ۵۹ بود. سازمان درخواست کمک مالی کرده بود. در میان کمک‌ها رسید که کوشسوار ه کوچکی بود که می‌بایست از آن دختری خردسال بوده باشد. درلم می خواست فرستاده از اینها نام او را پس از کمی جستجو باقیم گرفتار گذاشت، بسا بیگان که گفته‌ای به دیدن آمد. مردی بود با حسب روستایان شمال. گندم‌گون با چمنی نام، به میرایی و صفا در آنجا موح می زد. معلوم بود که یکی از مدارس جنوب تهران و شبانه‌در دانشگاه ملی درس می‌خواند. پرسیدم چرا گوشوار ه هسانی دخترت را فرستادی؟ گفت: "این بهترین هدیه‌ای بود که می‌خواستم برای سازمان بدهم. از طرفی بسا این کار و دختر کوچکم به میزبانی سازمان بیوست. و این نخستین آشنایی ما بود.

روز اول ماه مه سال ۶۰ او را در جایی که بازویندا نظمامات سازمان را دربار او داشت، در میتینگ میدان آزادی دیدم. لحظه‌ای بود که به او با حزب الهی با سگ و چاقو حمله کرده بودند، رضا کتشر را مرتب در مقابل سنگ‌ها می گرفت که می‌باید سنگ به مردم بخورد. حندجای سرش ضرب دیده و زخمی شده بود. از در به خود می پندارد. ما بیروای حال خود نداشت. می گفت: "به رفقای زن کمسمک کنید". نگذاردید به رهبری سازمان آسیمی برسد". بسا رو کوچک بود که بدرو ما درش را از دست داده بود. و خانه دلروز و میریانی او و برادرش را بزرگ کرده بود. در آن روزی بود بسا رزحمتکسش و فداکار. هرا جزندی دلش برای او تنگ می شد و برای دیدنش راهی رشت می شد.

یک روز گمانم در خیابان گرگان بود، با رضا قدم می زدم. از مقابل یک ساندویچی رد شدیم. لحظه‌ای ایستاد و بدرون دکا نکریست و با حسب همیشگی ش شفت، این دکان نخستین میباید نگاه من با شینا زد بود. و شینا زهمشر را چه عا شقا نه دوست می داشت. با خنده گفت با هم غذای خوردیم و می دانستیم که هم دیگر را دوست داریم، امسبلسا هیچکدام ما در بهه بر ازش نبودیم.

گشاهه روگشاهه دست بود فداکار در در حقی دوستان. خوب می فهمید بدون آنکه به رخ کشد. عشق به مردم ما زمان در او چنان بود که گاه خود

فدایی خلق، رفیق پرویز خاواده و مردمش را بسا بار دوست می داشت. به خاطر مردم بسا زود مقاومت را تا تحمل زندان و شکنجه نامسبلسا اعدام پیش برد و عشق و وفا داری فرا پندیده توده‌ها را تا لحظه شهادت با همزبایی و شوکه‌ناستی در سرشت خود داشت. وقتی به فرم شهید میسولسین سباه، مراسم آذوقه و تقوی می شناختند، با اندوه و دریغ در آن شرکت کردند و صمیمانه از زمانه‌های دلجویی بزرگانه می شاد که ما با جدیت بیشتر علیسه رژیم خمینی مبارزه کنیم".

رفیق پرویز الهی، در سال ۱۳۳۱ در تهران به دنیا آمد. پدرش که در صنعتی کار خانوادها از سمنان به تهران آورده بود، بسا از روی آوردن به کارهای گوناگون، به عنوان کارگر در راه آهن استخدام شد. پرویز در میان خانواده به جمعیتش بزرگ شد. درس خواند و دیپلم گرفت و به محیط صنعتی عالی با گذاشت. رفیق پرویز از سال ۱۳۵۲ گوارا در مدرسه عالی قزوین شد. با آگاهی که بسا از آن نسبت به مسائل اجتماعی و ضرورت مبارزه سیاسی یافته بود، به جنبش دانشجویی بیوست و در آن مکتب آموخته‌تر شد. او از فعالیت صنفی - سیاسی علنی به ارتباط با گروه‌های سیاسی مخفی

چنگیز آیتانوف:

انگدام نویسندگان و انقلابیون ایران را محکوم می‌کنیم

چندی پیش خبرنگار "اکثریت"، نشریه سازمان ما در خارج از کشور، گفتگویی با چنگیز آیتانوف، نویسنده بزرگ شوروی ترتیب داد که حاوی نکات مهمی در رابطه با وضعیت هنرمندان در اتحاد شوروی درگذشته‌ها، موقعیت هنر و ادبیات در جهان سوم و سواد نویسندگان و هنرمندان مبارز در زندان‌های رژیم خمینی است. در اینجا بخش از این گفتگو را که در رابطه با انعدام نویسندگان و هنرمندان ایرانی است می‌آوریم:

خبرنگار اکثریت: طی ماه‌های اخیر هزاران تن از برجسته‌ترین رهبران، کارها و فعالین جنبش کمونیستی و ترقی‌خواهان ایران در زندان‌های رژیم

تاریخ جنبش نگاه داشت. سال ۶۲ رژیم خمینی پورش و جنبش به خود را آغاز کرد. جا جا کردن امکانات سازمانی، خارج کردن رفقا از زیر ضرب، از مهم ترین وظایف روز بود.

قرار بود ما یکی از رفقای سابق رقتیم. او با وجودی که هردوی ما را به خوبی می‌شناخت منکر هرگونه شناسایی با ما و ارتباط با سازمان گردید و گفت هر چه بود تمام شد دیگر به سراغ من نیاید. اشک در چشم رضا حلقه زده بود. من هیچوقت او را چنین شگمکن و برای فروخته ندیده بودم. گفت "روزهای سخت فرا رسیده است. با بسبا بمرمی کرد. این روزها نیز خواهند گذشت". و در این روزها رضا چه بسا بر او بر شوری را آغاز کرد. طبیعت یگانها و در تمام فراز و فرودهای زندگی او را چون گوهری تراش داد و در فاصله‌های آن تا ۶۵ او را به یکی از تنونهای استوارمبارزه بدل کرد. گاه با نامشهری و نامشخصی نام رفیق خبر او را ز فلان حوزه زمانی می شنید می هنوز با همان ما شین کهنه خود این بار را بسا دریغ و سیخ تر در شهری گشت و وظایف سازمانی را پیش می برد. مسئولیت چندین حوزه بر عهده او بسو و شانه‌های رضا در این روزهای سخت، تکیه‌گاه استواری برای سازمان و جنبش بود. او در این روزها نشان داد که چه بسا رنده سربران گمنامی که در دشوارترین دوران مبارزه، شجاعت قدم بسا میدان می نهند، گمنام مبارزه می کنند و گمنام می میرند.

رفیق محمد رضا گلپایگانی، فدایی قهرمان رزمندگان استوار راه‌هایی و بهر روی مردم از دل دشوارترین آزمون‌های نبرد انقلابی سال‌های ۶۲ تا ۶۵ و سالهای پس از آن در شکنجه‌گاه‌های دژخیمان او بسا سرفراز به در آمد و دریا شیز ۶۷ بسا سری آفرشته در برابر بیروخوها و آتش رژیم خونخوار خمینی ایستاد.

اگر دیروز پیراهن حمید چون ششلسه‌ای فروزان قلب رضا را شور و گرمی می بخشید، امروز جدا بسا پیراهن خونین قهرمانی چون رضا در دستهای می خرد و قلب‌های آرزومنده زادی و عدالت را گرمی می بخشید.

شرایط جدید پرداخت، او که زندگی خود خوانده کوچک، به ویژه از لحاظ معیشتی با سختی بسیار می‌گذشت بی هیچ تردیدی و تعللی مبارزه در آن شرایط فوق‌العاده دشوار را با عزم و اراده‌ای آهنین ادامه می داد.

این بار ساواک خمینی به سراغ او آمد. مقاومت در برابر شکنجه‌گران را او یک بار آزموده بود و اکنون بهمان رزمنده‌ای با تجربه‌ای بسا میدان مبارزه می گذاشت. پرویز در این میدان دیگر با شایستگی خود را نشان داد و اعتماد دیگران به شخصیت او را بدو عطا کرد. شخصیت او و مویمی او، توجه‌اش نسبت به دیگران و کوشش برای بالانگه‌ها داشتن روحیه همگامی، از ویژگی‌های برجسته او بود. او که تنها به دوسوال زندان محکوم شده بود، به دلیل همین ویژگی‌های و بقا و مت‌گرا نه در برابر زور و ستم سرکوب‌گسران و آزادی کسان، بسا آنکه حتی در آنگاه آهاسی بی اعتباری حکومت آخوندها، محاکمه شود، به جوهر مرگ سپرده شد.

جلادان او بسا با بیداری مخالفین فکرو اراده‌خواراندا شدند. رفیق پرویز نیز با تسلیم در برابر زور و کوبی جلادان را نداشت. این درس بزرگی است که کسان‌های والاد را تاریخ ما بسیار تکرار کرده‌اند. و این بار ما آن را از پرویز می آموزیم.

راهش پسر هر روز بسا د.

جنايات ت قرون وسطایى صورت مي گيرد، ما ايمن جنايات را که عليه مردم ايران است شديداً محکوم مي کنيم.

با بستی پذیرفت که در جامعه همه نمی توانند مثل هم فکر کنند. با بستی آموخت که عقاید دیگران را تحمل کرد و از زنده‌ها که همه عقاید خود را آزادانه ابراز کنند. در ایران دیکراسی نیست و قبلاً نیز وجود نداشته است. من ایمن دارم که مردم ایران به زودی زود، با این جنايات تبرير منشا نه‌را علناً و وسيعاً محکوم خواهند کرد.

P.F. 30 1891 WIEN AUSTRIA	آدرس اتریش
AUSTRIA - WIEN BAWAG NR. 029 90701 - 850 DR. GERTRAUD ARTNER	حجاب بانکی

پرویز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!